

قوانین

۴۵

۳۱۸۲۰

شماره ۲۴۴۲۰

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۲۴ آبان ۳۱

وزارت دارایی

فرمان همایونی راجع بقانون اجازه پرداخت یکدوازدهم حقوق و هزینه کل کشور بابت مهر ماه ۱۳۳۱ و قانون مزبور که در جلسه یکشنبه ۱۱ آبانماه ۱۳۳۱ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است ذیلابلاغ میگردد :

با تاییدات خداوند معصم

ما

پهلوی شاهنشاه ایران

مجلس صحه مبارک

نظر باصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر میداریم

ماده ۱- قانون اجازه پرداخت یکدوازدهم حقوق و هزینه کل کشور بابت مهرماه ۱۳۳۱ که در جلسه ۱۱ آبانماه ۱۳۳۱ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده و منضم باین دستخط است بوضع اجرا گذاشته شود .

ماده ۲- هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند .

بتاریخ سیزدهم آبانماه ۱۳۳۱

قانون اجازه پرداخت یکدو زدهم حقوق و هزینه کل کشور

بابت مهر ماه ۱۳۳۱

ماده واحده - بوزارت دارایی اجازه داده می شود حقوق و کمک و مزایای کارمندان و خدمتگزاران و مصارف مستمر و غیرمستمر وزارتخانهها و ادارات و بنکاهای دولتی و سایر مخارج کشور را از بابت مهرماه ۱۳۳۱ برطبق قانون اجازه پرداخت تیرماه سال جاری مصوب ۱۲ مردادماه ۱۳۳۱ از محل درآمد عمومی کشور پرداخت نماید این قانون که مشتمل بر ماده واحده است در جلسه یکشنبه ۱۱ آبانماه ۱۳۳۱ بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

نایب رئیس مجلس شورای ملی - محمد ذوالفقاری

اصل فرمان همایونی و قانون در دفتر نخست وزیر است .

نخست وزیر

۳۱۸۸۲۰

شماره ۲۴۴۲۲

۳۶

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۲۴ آبان ۳۱

وزارت دارایی

فرمان همایونی راجع بقانون اجازه پرداخت حقوق و مزایای آخرین ایام خدمت سرهنگ دوم نوری شاد درباره وراث قانونی آن مرحوم و قانون مزبور که در جلسه یکشنبه ۱۹ آبانماه ۱۳۳۱ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است ذیلا ابلاغ میگردد :

با تاییدات خداوند متعال

ما

پهلوی شاهنشاه ایران

محل صحه مبارك

نظر باصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر میداریم .

ماده ۱- قانون اجازه پرداخت حقوق و مزایای آخرین ایام خدمت سرهنگ دوم نوری شاد درباره وراث قانونی آن مرحوم که در جلسه ۱۹ آبانماه ۱۳۳۱ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده و منضم باین دستخط است بموقع اجرا گذاشته شود .

ماده ۲- هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند .

بتاریخ سیزدهم آبان ماه ۱۳۳۱

قانون اجازه پرداخت حقوق و مزایای آخرین ایام خدمت سرهنگ

دوم نوری شاد درباره وراث آن مرحوم

ماده واحده - بدوات اجازه داده میشود که برای کمک بخانواده مرحوم سرهنگ دوم صادق نوریشاد که در حادثه ۱۴ آذر در راه انجام وظیفه مجروح و مقول شده است مبلغ یکصد هزار ریال بورات قانونی آن مرحوم بلافاصله بپردازد و علاوه مادام که همسر و یا دختر او شوهر اختیار نکرده و پسران او مشغول تحصیل میباشد تمام حقوق و مزایای او که در آخرین ایام خدمت مرحوم نوری شاد میگرفته بآنها پرداخت شود .

این قانون که مشتمل بر ماده واحده است در جلسه یکشنبه ۱۹ آبانماه یک هزار و سیصد و سی و یک بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

نایب رئیس مجلس شورای ملی - معهد ذوالفقاری

نخست وزیر

اصل فرمان همایونی و قانون در دفتر نخست وزیر است

۳۱۸۸۲۵

شماره ۱۳۸۳۲

۴۷ - لایحه قانونی انحلال دیوان کشور و دادگاه انتظامی

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۲۷ آبان ۳۱

ماده ۱- وزیر قلمی دادگستری مکلف است که در ظرف ۵ روز از تاریخ تصویب

این لایحه قانونی کلیه شعبات قضائی دیوان کشور و دادسرای آن و همچنین دادگاه انتظامی رامنجل
نموده رؤساء و کارمندان هر دورا تغییر و تبدیل دهد .

ماده ۲- کارمندان قضائی که بر اثر انحلال دیوان کشور و دادگاه انتظامی بکارگمارده
نیشوند منتظر خدمت محسوب خواهند شد .

ماده ۳- وزیر فعلی دادگستری میتواند از تاریخ تصویب این لایحه قانونی تا ۲ ماه
کارمندان قضائی و اداری و خدمتگزاران جزء دادگستری و ثبت کل را بازنشسته نماید هر چند که
مشمول قانون بازنشستگی نباشند حقوق بازنشستگی آنها مساوی است با یکسایم آخرین حقوق و کمکه
دریافتی ضرب در سنوات خدمت .

ماده ۴- وزیر فعلی دادگستری میتواند از تاریخ تصویب این لایحه قانونی تا یکمهره
قضائی را که از سال ۱۳۲۸ بیهه بازنشسته شده و بیش از ۷۰ سال ندارند با آخرین پایه قانونی که
موقع بازنشستگی داشته اند برای مشاغل قضائی دعوت نماید .

ماده ۵- کارمندان قضائی و اداری که متجاوز از ۲۲ سال منتظر خدمت مانده اند حق استفاده
از حقوق انتظار خدمت ندارند .

بر طبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ لایحه قانونی انحلال دیوان
کشور و دادگاه انتظامی مشتمل بر ۵ ماده تصویب میشود
بتاریخ ۱۳۳۱ ر ۸ ر ۲۵
نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۳۱۷۸۲۴

شماره ۲۵۲۸۰

۴۸

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۲۸ آبان ۳۱

وزارت دفاع ملی

فرمان همایونی دایر با اجرای قانون تمدید دوماه مقررات فرمانداری نظامی در تهران و
حومه و قانون مزبور که در جلسه روز ۵ شنبه ۱۵ آبانماه ۱۳۳۱ بتصویب مجلس شورای ملی
رسیده است ذیل ابلاغ میگردد :

با تاییدات خدوند متعال

ما

پهلوی شاهنشاه ایران

محل صحه مبارک ملوکانه

نظر باصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر میداریم

ماده ۱- قانون اجازه تمدید دو ماه مقررات فرمانداری نظامی در تهران و حومه
که در جلسه ۱۵ آبانماه ۱۳۳۱ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده و متمم باین دستخط است بوقوع
اجرا گذاشته شود .

ماده ۲- هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند .

بتاریخ نوزدهم آبان ماه ۱۳۳۱

قانون اجازه تمدید دو ماه مقررات فرمانداری نظامی در تهران و حومه

ماده واحده - بدوات اجازه داده می شود که مقررات فرمانداری نظامی را در تهران و حومه برای مدت دو ماه دیگر از تاریخ ۵ صبح ۲۶ مهرماه ۱۳۳۱ تا ۵ صبح ۲۹ آذرماه ۳۱ تمدید نماید .

این قانون که مشتمل بر ماده واحده است در جلسه روز ۵ شنبه ۱۵ آبانماه ۳۱ بتصویب مجلس شورای ملی رسید
نایب رئیس مجلس شورای ملی - معتمد ذوالفقاری
اصل فرمان های پونی و قانون در دفتر نخست وزیر است - نخست وزیر

۴۹ - لایحه قانونی اصلاح ماده ۶ قانون ترفیعات ارتش

مصوب هفدهم اسفندماه ۱۳۱۴

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۲۸ آبان ۳۱

ماده ۱- ماده ۶ قانون ترفیعات ارتش مصوب ۱۷ اسفند ماه ۱۳۱۴ بشرح ذیل اصلاح می شود :

ماده ۶- ترفیع افسران ارتش و ژاندارمری غیر از موارد جنگی فقط در اول مهرماه هر سال عملی میگردد .

ماده ۲- وزارت دادائی- دفاع ملی و کشوره مود اجرا، این لایحه قانونی میباشد

برطبق قانون اعطاء اختیارات مصوب ۲۰ مردادماه ۱۳۱۴ لایحه قانونی اصلاح ماده ۶ قانون ترفیعات ارتش مصوب ۱۷ اسفندماه ۱۳۱۴ مشتمل بر دو ماده تهیه و تصویب می شود .
بتاریخ ۲۵ آبانماه ۱۳۳۱
نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

پرتال جامع علوم انسانی

۳۱۸۸۲۷

شماره ۱۳۸۴۶

۴۰ - لایحه قانونی چك بی محل

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۲۹ آبان ۳۱

ماده ۱- چكهای صادره بعهده بانک ملی ایران با سایر بانکها و مؤسسات اعتباری مجاز در حکم اسناد لازم الاجرا بوده و دارنده چك در صورت مراجعه ببنابك و عدم پرداخت وجه آن بملات نبودن محل با بهره لتی که مربوط بعمل صادرکننده باشد (بند الف - ب - ج - ماده ۲) می تواند طبق قوانین و آیین نامه های مربوطه به اجرای اسناد رسمی وجه چك را از صادر کننده وصول نماید .

تبصره ۱- تعیین بانکها و مؤسسات اعتباری مجاز بامیث دولت است .
تبصره ۲- برای صدور اجرائیه دارنده چك باید عین برك چك و گواهی بانك دائر بملت عدم پرداخت وجه چك را كه در ماده ۲ مذکور است باداره اجرائی ثبت اسناد محل تسلیم نماید .

تبصره ۳- در گواهی مربوط بملت عدم پرداخت چك بانك باید مطابقت باعدم مطابقت امضای صادرکننده را بانسونه امضای موجود در بانك در ذیل چك تصریح نماید اداره اجراء در صورتیکه مطابقت امضای چك باامضای صادرکننده از طرف بانك گواهی شده باشد دستور اجراء صادر خواهد نمود.

تبصره ۴- غرض از مطابقت امضاء آنست كه امضاء ذیل چك بانسونه امضای صادرکننده كه در بانك محفوظ است در حدود حرف بانكداري اختلاف نداشته باشد .

تبصره ۵ - دارنده چك اعامت از کسیكه چك در وجه او صادر گردیده یا بانام او ظهر نویسی شده یا حامل چك در مورد چكهای در وجه حامل.

ماده ۲- در صورت تقاضای دارنده چك بانك مكلف است در مورد عدم پرداخت وجه چك علت یا هزل آنرا صریحاً در برك مخصوصی كه مشخصات كامل چك و نام و نام خانوادگی و نشانی كامل صادرکننده چك در آن ذكر شده باشد قید و آنرا امضاء و مهر نموده بدارنده چك تسلیم نماید .

ماده ۳- جهات عدم پرداخت چك عبارتست از :

الف - بلامحل بودن چك اهم از اینکه در تاریخ صدور محل نداشته یا بعداً وجه آن کشیده شده باشد و یا کمتر از وجه چك محل داشته باشد .

ب - خود بانك پس از تاریخ صدور چك اعتبار صادرکننده را بعللی بسته و یا وجه نقد موجود در حساب او را طبق موزین قانونی برای مصرف دیگری اختصاص داده باشد.

ج - صادرکننده چك دستور عدم پرداخت آنرا ببانك داده باشد .

د - عدم مطابقت امضای چك باامضای صادرکننده یا قدم خوردگی در متن چك یا اختلاف بین مندرجات چك یا سایر اشتباهات كه موجب عدم پرداخت چك گردد .

ماده ۴- در مورد بند (ب) ماده ۳ اگر صادرکننده چك در ظرف ۵ روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه رسمی یا اعتراضنامه وجه چك را نپردازد دارنده چك میتواند طبق ماده يك تقاضای صدور اجرائیه نماید.

ماده ۵ - دعوی اینکه چك وعده دار بوده مسوع نیست .

ماده ۶ - مسئولیت ظهر نویسان چك طبق مقررات و قوانین مربوطه كمالكان بقوت خود باقی است .

ماده ۷ - در صورتیکه صادرکننده چك نسبت بآن دعوی جعل کند اگر جاعل را معرفی نماید میتواند بدادسرای شهرستان محل جهت تعقیب جاعل مراجعه نماید و تا صدور قرار باز پرس مبنی بر توقیف عملیات اجرائی اداره اجراء باید عملیات اجرائی را تعقیب نماید و اگر جاعل تعیین نشود عملیات اجرائی در صورت صدور قرار از طرف دادگاه متوقف خواهد شد .

فصل دوم - مقررات کیفری

ماده ۸- در صورتی كه بهر يك از علل مذکور در ماده ۳ بانك از پرداخت وجه چك خودداری نماید و صادرکننده در ظرف ده روز پس از ابلاغ اظهارنامه رسمی یا اعتراضنامه وجه

چک را نپردازد مشمول بند ب ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفری همگانی بوده و طبق ماده مزبور قابل تعقیب و مجازات خواهد بود .

ماده ۹- در مورد بیکه صادرکننده نسبت بچک ادعای جعل نموده و از عهده اثبات آن بر نیاید دادگاه او را علاوه بر کیفر مقرر در بند ب ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر همگانی بیکریع وجه چک برای تأمین خسارات معنوی و صدمی ۱۲ خسارات تاخیر نادیه بسود شاکی خصوصی محکوم خواهد نمود .

ماده ۱۰- در صورتیکه دارنده چک وجه آن را از طریق اجرای ثبت وصول ننموده باشد باز پرس مکلف است لافل وجه الضمان معادل وجه چک را از متهم اخذ نماید .

ماده ۱۱- رسیدگی بکلیه دعوای جزائی و حقوقی مربوط بچک در دادسرا و دادگاه فوری و خارج از نوبت بمل خواهد آمد رسیدگی خارج از نوبت تا خانم دادرسی ادامه می یابد .

ماده ۱۲- در مورد شرکتها و کلیه اشخاص حقوقی امضاءکننده یا امضاءکنندگان چک مشمول مقررات این لایحه قانونی خواهند بود ودعوی عدم دخالت و یا سلب بدهی سمت و اختیارات از آنها مانع از تعقیب امضاءکننده یا امضاءکنندگان چک نخواهد بود .

ماده ۱۳- کلیه قوانین و مقرراتی که با مواد این لایحه قانونی مفایرت داشته باشد بلااثر خواهد بود .

ماده ۱۴- آیین نامه اجرایی این لایحه از طرف وزارت دادگستری و وزارت دارائی تنظیم و بوقوع اجرا گذاشته میشود .

بر طبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مردادماه ۳۱ لایحه قانونی چک بی محل مشتمل بر دو فصل و ۱۴ ماده و ۵ تبصره تصویب میشود
بتاریخ ۲۷ آبانماه ۳۱
نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۳۱۰۸۰۲۸

شماره ۱۳۸۶۴

۴۱- لایحه قانونی اصلاح ماده ۲۸ قانون مالیات املک مزروعی

و مالیات بر درآمد مصوب ۲۹ تیرماه ۱۳۴۸

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۲ آذر ۳۱

ماده ۱- ماده ۲۸ قانون مالیات املک مزروعی و مالیات بر درآمد مصوب ۲۹ تیرماه ۱۳۲۸ بشرح ذیل اصلاح میشود :

ماده ۲۸- برای وصول مالیاتها آیین نامه اجرایی بر اساس آیین نامه اجرایی ثبت اسناد و امطابق اصولیکه برای وصول مالیاتها مقتضی تشخیص داده شود از طرف وزارت دارائی و وزارت دادگستری تنظیم و پس از تصویب وزارتخانههای مذکور بوقوع اجرا گذاشته میشود .

ماده ۲- وزارت دارائی و وزارت دادگستری مأمور اجرای این لایحه قانونیست .

بر طبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مردادماه ۳۱ لایحه قانونی اصلاح ماده ۲۸

قانون مالیات اموالک مزدوعی و مالیات بردرآمد مصوب ۲۹ تیرماه ۱۳۲۸ مشتمل بر (۲) ماده تصویب می شود .
بتاریخ ۲۸ آبان ماه ۳۱ نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۳۱۸۸۲۸

شماره ۱۳۸۶۶

۴۴ - لایحه قانونی تشدید مجازات بزه عبور از مرز

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۲ آذر ۳۱

ماده ۱- هرکس بدون گذرنامه یا اجازه نامه (پروانه) بکشور وارد و یا از مرز خارج شود مجرم محسوب میشود و حبس تادیبی از ۳ ماه تا یکسال محکوم خواهد شد همین حکم جاریست نسبت بکسانیکه شروع بعمل مزبور نمایند .
ماده ۲- هرگاه معلوم شود ورود بکشور یا خروج از آن و یا شروع باعمال مزبور بر اثر تحریک و یا اغفال دیگری بوده است محرک و اغفال کننده نیز مشمول مجازات مقرر در ماده اول میباشد.
ماده ۳- وزارت دادگستری . کشور و دفاع ملی مأمور اجرای این لایحه قانونی می باشند .

برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مردادماه ۳۱ لایحه قانونی تشدید مجازات بزه عبور از مرز مشتمل بر ۳ ماده تصویب میشود .
بتاریخ ۲۸ آبان ماه ۳۱ نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۳۱۹۹۲

شماره ۱۳۹۰۲

۴۴ - لایحه قانونی حقوق بازنشستگی کارمندان قضائی

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۵ آذر ۳۱

ماده ۱- حقوق بازنشستگی کارمندان قضائی فعلی که بعد از اجراء ماده ۹ لایحه قانونی شماره ۱۳۱۶۴۲-۳۱۹۶۲۹ بازنشسته میشوند عبارت خواهد بود از يك سی ام آخرین حقوق و کمک دریافتی قبل از اول آذرماه ۳۱ ضرب در سنوات خدمتی که منتهی به آخر آبان ماه ۳۱ میشود بعلاوه يك سی ام حقوق دریافتی بعد از اول آذرماه ۳۱ ضرب در مدت خدمت انجام یافته از اول آذرماه ۳۱ تا تاریخ برقراری حقوق بازنشستگی .
ماده ۲- وزارت دارائی و وزارت دادگستری مأمور اجراء این لایحه قانونی است .
برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مردادماه ۳۱ لایحه قانونی حقوق بازنشستگی کارمندان قضائی مشتمل بر دو ماده تصویب میشود .
بتاریخ دوم آذرماه ۳۱ نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۳۱۹۹۳

شماره ۱۳۹۲۴

۴۴ - لایحه قانونی وصول عوارض از بنزین بمنظور کمک به مستمندان و بکارگماردن آنها

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۶ آذر ۳۱

ماده ۱- بمنظور تامین اعتبار خاصی برای کمک به مستمندان و بکارگماردن آنها از تاریخ دهم آذرماه سال جاری مبلغ ۲۰ دینار از هر لیتر بنزین مصارف داخلی کشور علاوه بر آنچه فعلاً گرفته میشود توسط شرکت ملی نفت ایران وصول و برطبق آیین نامه که توسط وزارت کشور تنظیم و بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید برای منظور فوق مصرف خواهد گردید .

ماده ۲- وزارت دارائی و وزارت کشور مأمور اجرای این لایحه قانونی میباشد .
برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مردادماه ۳۱ لایحه قانونی وصول عوارض از بنزین بمنظور کمک به مستمندان و بکارگماردن آنها مشتمل بر (۲) ماده تصویب میشود .
تاریخ ۳ آذرماه ۳۱ نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۳۱۹۹۴

شماره ۱۳۹۴۲

۴۵ - لایحه قانونی انتقال املاک و خانگیجات دولتی یوزارت کشاورزی

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۹ آبان ۳۱

ماده ۱- از تاریخ تصویب این لایحه قانونی کلیه املاک و خانگیجات دولتی با سازمان اداری و بودجه آن از وزارت دارائی منتزع و ضمیمه وزارت کشاورزی میشود و اعمال حق مالکیت دولت نسبت باملاک و خانگیجات مزبور و همچنین وصول مطالبات مربوط به آن با وزارت کشاورزی خواهد بود .

ماده ۲ - وزارت دارائی و وزارت کشاورزی مأمور اجرای این لایحه قانونیست .
برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مرداد ۳۱ لایحه قانونی انتقال املاک و خانگیجات دولتی یوزارت کشاورزی مشتمل بر دو ماده تصویب میشود .
تاریخ ۴ آذرماه ۳۱ نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۳۱۹۹۴

شماره ۱۳۹۴۴

۴۶ - لایحه قانونی مجازات قطع و تخریب وسایل مخابرات و برق

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۹ آبان ۳۱

ماده ۱- هر کس وسایل مخابرات کشور را از تلگراف و تلفن و دستگاههای فرستنده و گیرنده خبر دولتی و همچنین مراکز و سیمکشیمای برق شهرها و تقصبات را اهم از آن که سیمکشیمای

متملق بادارات دولتی و شهرداری و مجلس شورایی و با متعلق بکارخانهای دولتی و غیردولتی و بنگاههای ملی و عمومی باشد بمنظور اخلال درنظم و آرامش عمومی و با پیشرفت مقاصد سیاسی تخریب کند که ازاینراه موجبات قطع ارتباط و یا تاریکی و تعطیل را فراهم سازد بجس باکار از ۳ تا ۱۰ سال محکوم میشود و اگر در نتیجه عملیات مزبور يك باچند نفر کشته شود جزای مرتکب اعدام است .

ماده ۲- هرگاه جرم مذکور در ماده قبل بر اثر تبانی و توطئه بیش از دو نفر انجام یابد خواه در نتیجه آن قتل واقع شده یا نشده باشد هر يك از توطئه کنندگان بده سال حبس باکار محکوم خواهد شد .

ماده ۳- هرگاه قصد مرتکب از ارتکاب جرمهای مذکور در ماده يك فقط سرقت وسایل مضایرات و برق باشد بدو تا پنج سال حبس مجرد محکوم خواهد شد .

ماده ۴- در مورد ماده ۳ خریدار وسایل مسروقه بجس تادیبی از يك تا سه سال محکوم می گردد .

ماده ۵ - ادارات و بنگاههای مربوط باید بامراجعه بر ارجع قضائی برای وصول عین اموال مسروقه و در صورتی که عین موجود نباشد قیمت آن و همچنین خسارات حاصله از عدل مرتکب بمیزانیکه تشخیص میدهند اقدام نمایند و چنانچه متهم از پرداخت قیمت و خسارات خودداری کرد مامورین انتظامی بقاضای ادره یا بنگاه مربوطه در مقابل هر ده ریال بگروز بازداشت مینمایند مدت بازداشت از دو سال تجاوز نخواهد کرد .

در صورتیکه اموال مسروقه بدست آید مراجع قضائی مکلفند قبل از پایان دادرسی بنا بقضای ادارات و بنگاههای مربوط عین اموال مسروقه را با ادارات و بنگاهها مسترد دارند .

ماده ۶- رسیدگی بجرائم مذکوره در دادسراها و دادگاهها فوری و خارج از نوبت بعمل خواهد آمد .

ماده ۷- وزارت دادگستری - کشور - راه و پست و تلگراف و تلغف مامور اجرای این لایحه قانونی میباشد .

بر طبق قانون اعطاء اختیارات مصوب ۲۰ مردادماه ۳۱ لایحه قانونی مجازات قطع و تخریب وسایل مضایرات و برق مشتمل بر ۷ ماده تصویب میشود .
تاریخ ۳ آذرماه ۳۱
نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

سال جامع علوم انسانی

۳۱۹۹۵

شماره ۱۳۹۵۶

۴۷ - لایحه متمم لایحه قانونی وصول عوارض از بنزین بمنظور

کمک بمستمدان و بکارگماردن آنها

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۲۹ آبان ۳۱

ماده ۱- لایحه قانونی وصول عوارض از بنزین بمنظور کمک بمستمدان و بکارگماردن آنها مصوب ۳۱۹۹۳ بجای دهم آذرماه ۳۱ که در ماده اول لایحه قانونی مزبور تصریح گردیده است از تاریخ ۶ آذرماه ۳۱ بموقع اجراء گذاشته میشود .

ماده ۲- وزارت دارائی و وزارت کشور مامور اجرای این لایحه قانونی میباشد .

برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مرداد ماه ۳۱ لایحه قانونی متمم لایحه قانونی وصول عوارض از بنزین بسنظور کمک بستمندان و یکارگمادرن آنها مشتمل بر (۲) ماده تصویب میشود
بتاریخ پنجم آذرماه ۳۱
نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۳۱۹۹۵

شماره ۱۳۹۵۴

۴۸ - لایحه قانونی واگذاری باقیمانده وجوه دریافتی بابت صدی يك شورای کشاورزی بهسندوق تعاون و عمران شهرستانها

تاریخ انتشار درروزنامه رسمی ۹ آبان ۳۱

ماده ۱- بوزارت دارائی اجازه داده میشود وجوهی را که طبق تصویبنامه شماره ۳۱۳۵۸-۲۶۸۲۶-۲۵ هیئت وزیران بابت صدی يك شورای کشاورزی از مؤدیان مالیات املاك مزروعی هر شهرستان دریافت نموده و بعلت عدم تشکیل شورای کشاورزی در آن شهرستان در حساب سپرده ادارات دارائی شهرستانها و خزانه داری کل موجود میباشد بهسندوق تعاون و عمران همان شهرستان که در اجرای لایحه قانونی اذنباد سهم کشاورزان و سازمان عمرانی کشاورزی تاسیس گردیده بپردازد تا بصارف مقرر در لایحه قانونی مذکور برسد .

ماده ۲- وزارت دارائی و وزارت کشور مأمور اجرای این لایحه قانونی میباشد .

برطبق اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مرداد ماه ۳۱ لایحه قانونی واگذاری باقی مانده دریافتی بابت صدی يك شورای کشاورزی بهسندوق تعاون و عمران شهرستانها مشتمل بر دو ماده تصویب میشود .
بتاریخ ۵ آذرماه ۳۱

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

شورای عالی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان بحث علوم انسانی

۳۱۹۹۵

شماره ۱۳۹۵۲

۴۹ - لایحه قانونی معافیت ادارات دولتی از پرداخت حق الثبت و نیم‌عشر اجرائی

تاریخ انتشار درروزنامه رسمی ۹ آبان ماه ۳۱

ماده ۱- ادارات دولتی از پرداخت هر گونه حق الثبت و هزینه مقدماتی بابت مراتع و جنگلها و اراضی خالصه و موات و هر گونه اموال غیر منقول که از طرف دولت تقاضای ثبت میشود معاف میباشد و اداره کل ثبت موظف است هزینه مقدماتی ثبت اینگونه املاك را نیز از محل صرفه جوئی و هزینه مقدماتی ثبت املاك تامین و مصرف نماید .

ماده ۲- در کلیه مواردی که برطبق مقررات موجود پرداخت نیم‌عشر اجرائی بعهده

صندوق دولت میباشد ادارات دولتی از پرداخت نیمه شرمناک خواهند بود .
 ماده ۳- وزارت دارائی و وزارت دادگستری مأمور اجرای این لایحه قانونی میباشد .
 برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مردادماه ۳۱ لایحه قانونی معافیت ادارات دولتی از پرداخت حق الثبت و نیمه شرمناک اجرائی مشتمل بر ماده ۳ تصویب میشود .
 بناریخ ۵ آذرماه ۳۱ نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۳۱۹۹۵

شماره ۱۳۹۶۰

۵۰ - اساسنامه شرکت ملی نفت ایران

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۹ آبان ۳۱

فصل اول - کلیات

ماده ۱- نظر بقانون مصوب ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ شرکتی بنام شرکت ملی نفت ایران برای اکتشاف و استخراج و بهره برداری از قبیل تصفیه و حمل و نقل و صدور و بیع نفت و مشتقات آن تاسیس میگردد و دارای شخصیت حقوقی است و مدت عملیات شرکت نامحدود است .
 مرکز اصلی شرکت خرمشهر است و در صورت اقتضاء شرکت میتواند مرکز را در یکی از شهر های دیگر خوزستان قرار دهد و همچنین با تصویب شورای عالی شعبی در داخله و خارجه تاسیس نماید .

ماده ۲- کلیه عملیات شرکت باید با رعایت اصل ملی شدن صنعت نفت بوده و بهیچوجه مخالف با این اصل نباشد . بطور کلی مقررات و طرز کار شرکت بر طبق اصول بازرگانی با در نظر گرفتن مصالح بهره برداری و سرعت عمل و مسئولیت و اعتماد خواهد بود

ماده ۳- حوزه عملیات شرکت در ایران همان حوزه عملیات صنعتی شرکت سابق نفت انگلیس و ایران در موقع ملی شدن صنعت نفت خواهد بود .

ماده ۴- شرکت در امور ذیل مجاز است :

اول - تحصیل هر گونه مال منقول یا غیر منقول از طریق قانونی برای رفع احتیاجات و تأمین مقاصد شرکت .

دوم - تصدی بهر نوع عمل بازرگانی مربوط بتهیه و فروش مواد نفتی و تصدی بانبارداری - کشتی داری - کشتی سازی - زورق داری - قایق داری - یدک کشی دریایی و حق العمل کاری و دولتی در هر یک از کار های مذکور و هر نوع تبدیل یا عمل دیگری که مواد نفتی را قابل عرضه در بازار ایران و دنیا کند .

سوم - تاسیس یا مشارکت در شرکت های فرعی بمنظور تهیه محصولات یا مصنوعاتیکه مورد نیاز شرکت و مردم باشد و یا ساختن و فروش مصنوعاتیکه با وسائل یا محصولات شرکت بیبای مناسب و بدون لطمه وارد کردن بفعالیت اصلی شرکت فراهم شود .

چهارم - خریدن - اجاره کردن - ساختن - تکمیل کردن - توسعه دادن - تعمیر کردن - بکار انداختن - اداره کردن و نظارت کردن کارخانجات - دستگاه های مولد گاز - دستگاه های مولد برق و نیرو - تعمیرگاهها - عمارت فروشها و دکانها و جایگاه های فروش مواد سوختنی - برج های

نگهبانی منازل و مساکن جاده‌های اصلی و فرعی - پلها - تقیها - ناواسانها - ترعه‌ها - نهرا - مخزنها - میسها - چاهها - تلیه‌خانه‌ها - ایارها و مراکز توزیع - لوله‌کشی کلیه دستگاههای مربوط با استخراج و بهره‌برداری مواد نفتی و سایر همارات و ابنیه که مستقیماً و یا غیر مستقیم برای پیشرفت کاد شرکت مورد نیاز باشد و همچنین انجام کلیه عملیات فوق نسبت برآمدها و بندرها و وسائل تلگراف و تلفن بی‌سیم و باسیم و هواپیماها با در نظر گرفتن اینکه اقدام بساختن هر خط آهن و هر بند جدید و توسعه ارتباطات تلفنی و تلگرافی باسیم و بی‌سیم و هواپیمائی باید با اجازه قبلی دولت باشد .

بنجم - خریدن و گرایه دادن و بکار انداختن انواع کشتیها - زودها - یدک‌کشا - قایقها - نفتکشهای زمینی و دریائی - لکوموتیوها - واگنها و مخزنها و هواپیماهای باری و مسافری و بطور کلی هر نوع وسائل زمینی و دریائی و هوائی دیگر که برای حمل مواد نفتی و جریان امور شرکت مورد نیاز باشد .

ششم - آماده کردن - آباد کردن - آبیاری - زراعت بهره‌برداری و استفاده بهره‌وری دیگری از زمینهاییکه در اختیار شرکت است و هر گونه مامله نسبت به محصولات زمین بنظور تامین احتیاجات شرکت .

هفتم - قرارداد استفاده‌ای یا مقاطعه‌کاری با اشخاص و مؤسسات داخلی یا خارجی و تجهیز متخصصین بنظور تجسس و اکتشاف و هر گونه عملی که برای جستجو و تشخیص منابع نفتی لازم شناخته شود .

هشتم - تاسیس شرکتی تابعه برای اجرای مقاصد شرکت در ایران و یا در خارج از ایران مشروط بر آنکه اسامی نام هر یک قبلاً بتصویب شورای عالی رسیده باشد و همچنین همکاری و هم‌آهنگی با شرکتی خارجی مربوط به نفت یا تصویب هیئت وزیران و تأخوددی که منافی با قانون ملی شدن صنعت نفت و مصالح کشور نباشد .

نهم - تحصیل پروانه‌های اختراع (از طریق خریداری یا هر طریق قانونی دیگر) که بموجب پروانه‌های مزبور حق انحصاری یا غیر انحصاری یا محدود بشرکت داده میشود و همچنین بدست آوردن ابرار و اطلاعات محرمانه (از طریق خریداری یا طریق قانونی دیگر) درباره اختراعات و طرحها و طریق‌های صنعتی که مورد استفاده قرار گیرد .

دهم - اجرای کلیه کارهای مجاز قانونی دیگر که برای پیشرفت مقاصد شرکت لازم باشد .
 ماده ۵ - استخدام کارمندان و کارگران شرکت اعم از دائمی و موقت و اعم از اینکه تیمه ایران یا تیمه خارجه باشند بر طبق آیین نامه‌هایی خواهد بود که با در نظر گرفتن احتیاج و استفاده شرکت و یارعات و مسائل رفاه و بهداشت و بیمه اجتماعی و تعلیم و تربیت از طرف هیئت مدیره تهیه و اصول آن بتصویب شورای عالی رسیده باشد و استخدام اتباع خارجه در هر مورد باید به پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب شورای عالی باشد .

ماده ۶ - شرکت باید درازدیناد درآمد و محصول نفت و بهبود دائمی طرق عمل اهتمام نموده و از کلیه تصدیقات یا اقداماتی که منطقیاً مانع پیشرفت کارها یا باعث نقصان عملیات یا تقلیل میزان تولید و درآمد باشد خودداری کند .

ماده ۷ - شرکت موظف است حتی الامکان جمیع وسایل معمول و مناسب را برای تامین صرفه‌جویی و استفاده کامل از عملیات خود بکاربرد و برای حفظ مخازن تحت الارضی نفت مطابق آخرین ترقیات علمی ممکن اقدام نماید .

ماده ۸ - تسهیلات و معافیت‌های گمرکی :

الف - شرکت بدون تحصیل جواز مخصوص حق دارد از محل درآمد ارزی خود آنچه را از ماشین آلات - دستگاههای فنی - قطعات یدکی - مواد شیمیایی - مصالح ساختمانی و امثال آنها که منحصراً برای عملیات خود در ایران لازم دارد و همچنین لوازم و دستگاهها و آلات و ادوات طبی و جراحی و دارو که برای بیمارستانها و مطبهای خود ضروری بدانند بدون تشریفات پرداخت حقوق و عوارض گمرکی از خارج وارد نماید .

ب - شرکت مجاز است بدون تحصیل جواز مخصوص آنچه منحصراً برای مصرف کارکنان خود لازم دارد از خارج کشور وارد نموده حقوق گمرکی و مالیات و عوارض را طبق مقررات کشور بپردازد و بعداً با منظور نمودن بهای خرید و حقوق و عوارض دولتی و شهرداری و هزینههای اداری و بازرگانی که بآنها تعلق میگیرد بکارکنان خود بپردازد .

تیمبره - شرکت موظف است برای تهیه وسائل صنعتی یا مواد مصرفی خود بانوجه بر مرغوبیت و ارزش جنس و رعایت مصالح اقتصادی کشور نسبت بکالاهای مشابه داخلی حق تقدم قائل شود . و وسائلی برانگیزد که حتی الامکان محصولات و مصنوعات داخلی را بصرف برساند .

ماده ۹ - صادرات نفتی از پرداخت حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی و شهرداریها معاف خواهند بود .

ماده ۱۰ - شرکت میتواند قسمتی از حقوق کارمندان خارجی را که لازم داند بدون مراعات مقررات ارزی ملکیتی و با استفاده از ارزهای حاصله از فروش فرآوردهای خود طبق تمهیدی که نموده است بپردازد و در هر موقع که مقتضیات شرکت ایجاب نماید طبق آیین نامه مخصوص يك باچند نفر از کارکنان شرکت را بخارج مامور یا اعزام نماید شرکت خواهد توانست بدون رعایت مقررات ارزی ملکیتی هزینههاییکه باید بازخارجی تادیه شود از محل ارزهای حاصله از فروش محصولات خود بپردازد .

تیمبره - از نظر تهیه آمار صحیح وضع ارزی کشور شرکت موظف است صورت حساب ارزی خود را سه ماه به ماه بیانگلی ایران بدهد .

ماده ۱۱ - هرگاه زمینی برای انجام عملیات مربوطه بامورثت مورد احتیاج شرکت واقع شود بترتیب ذیل عمل خواهد شد .

الف - در صورتیکه زمینی اعم از دامن و یا باغی متعلق بدولت باشد بر حسب پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب هیئت وزیران مجاناً بشرکت واگذار میشود .

شرکت ضمن تقاضای خود نقشه کاملی از زمین مورد احتیاج را ارسال میدارد .

در صورتیکه رفع احتیاج شرکت از زمین مزبور بشود حق انتقال بغير ندارد و باید آنرا بدولت مسترد کند .

ب - در صورتیکه زمین متعلق باشخص باشد صاحبان اراضی باید اراضی را بشرکت واگذار کنند و شرکت منتها در مدت سه ماه بهای آنرا بپردازد .

در صورت عدم توافق نسبت بقیمت تعیین قیمت بوسیله رئیس دادگاه شهرستان و دادستان و فرماندار محل بانوجه بقیمت اراضی مشابه و بدون در نظر گرفتن منابع نفتی تحت الارضی و با نوع مصرفی که شرکت در نظر دارد بعمل میآید .

ج - اماکن مقدسه و ابنیه تاریخی و محلههاییکه جنبه تاریخی دارند و همچنین توابع آنها تا ۲۰۰ متر مسافت از مقررات مذکوره مستثنی هستند .

د - شرکت میتواند در حوزه عملیات و برای مصارف خود در اراضی بایر متعلق

دولت از هر نوع خاك و شن و آهك و سنك و كچ و مصالح ساختمانی دیگر و معادن مورد نیاز مجاناً استفاده نماید. اگر عمل شرکت برای استفاده از مواد مذکور در این بند موجب ضرر شخص ثالثی گردد شرکت باید جبران خسارت را بشناید ولی در هر صورت شخص ثالث نمیتواند مانع عملیات شرکت بشود.

ماده ۱۲ - هر گاه دولت در حوزه عملیات شرکت قراردادی برای بکار انداختن سایر معادن منعقد نماید مقید باین قید خواهد بود که عملیات صاحب قرار داد بوسسات و جریان کار شرکت خسارتی وارد نسازد.

ماده ۱۳ - شرکت مکلف است در هر موقع در هر موقع مناطقی را که برای ساختن خانه و دکا کین و بناهایی دیگر در معرض خطر باشد قبلاً تعیین کند تا دولت بتواند اهالی را مسبوق و از سکونت در آنها منع نماید ولی شرکت مکلف است نسبت به خریداری یا اجاره این قبیل املاک از مالک یا پرداخت خسارت مالک بترتیب عادلانه و مقتضی اقدام نماید.

ماده ۱۴ - شرکت هر ساله قیمت فروش محصولات نفتی داخله ایران را با رعایت حداقل سود و ازدیاد مصرف و در نظر گرفتن مقتضیات داخلی تعیین خواهد نمود.

ماده ۱۵ - شرکت بكموسسه بازرگانی انتفاعی میباشد که سود آن بوسیله دولت هاید ملت میشود و حق دارد اضافه بر آنچه مقررات و وظائف قانونی معمول و منافع مستقیم شرکت ایجاد مینماید بودجه خود را صرف هر گونه مخارجی حتی امور اجتماعی و خیریه و عمرانی و عمومی بشناید ولی دولت میتواند بشرکت اجازه دهد تا حدود صدی ۲۰ از سهمیه متعلق بفرزانه دولت را (بند ج از ماده ۵۶) طبق برنامه مصوب صرف آبادی و عمران استان خوزستان و رفاها اهالی و کارمندان دولت در آن استان بشناید

فصل دوم - سرمایه شرکت

ماده ۱۶ - سرمایه شرکت ملی نفت در موقع تاسیس عبارت است از کلیه دارایی اعم از منقول و غیر منقول شرکت سابق نفت انگلیس و ایران که بوجب قانون مورخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ و نهم اردیبهشت ماه ۳۰ بدولت ایران انتقال یافته است.

اموال - منقول شرکت قابل انتقال نیست مگر با تصویب شورای عالی و دولت.

فصل سوم - سازمان شرکت

ماده ۱۷ - سازمان شرکت عبارت است از :

اول - شورای عالی.

دوم - هیئت مدیره.

سوم - هیئت بازرسی.

فصل چهارم - شورای عالی

ماده ۱۸ - شورای عالی از هفت نفر بشرح ذیل تشکیل می گردد و ریاست آن با وزیر دارایی میباشد:

الف - اطراف قوه مقننه ۴ نفر.

ب - از هیئت دولت ۲ نفر وزیر ۱۰ امی - وزیر کار.

ج - مدیر کل بانک ملی ایران.

ماده ۱۹ - اشخاصیکه از طرف قوه مقننه انتخاب میشوند ممکنست از بین نمایندگان یا اشخاص صلاحیت دار دیگر باشند مدت مأموریت منتخبین قوه مقننه دو سال خواهد بود و انتخاب آنان

بارای مغفلی و با اکثریت نصف بعلاوه یکه بعمل میآید و چنانچه درنوبت اول اکثریت مزبور حاصل نشود درنوبت دوم اکثریت نسبی معتبر خواهد بود .

هریک ازمنتخبین مذکور تا انتخاب جانشین خود بهضویت شورای عالی باقی خواهندبود .
 ماده ۲۰ - جلسات شورایعالی درمرکزاصلی شرکت باحضورمدیرعامل بطریق عادی یا فوق العاده تشکیل میشود .

جلسات عادی بهصوت رئیس هیئت مدیره درهرسال دؤنوبت دوشهریور ماه و بهمن ماه تشکیل می گردد .

بودجه هر سال درجلسه بهمن ماه سال قبل و ترازنامه هر سال درجلسه شهریور ماه سال بعد مطرح و تصویب خواهد رسید .

جلسات فوق العاده بنا بقاضای رئیس هیئت مدیره و یا تقاضای ۵ نفر از اعضای شورایعالی و یا ۳ نفر از اعضای هیئت مدیره و یا بقاضای هیئت بازرسی تشکیل میشود .

دستور جلسه فوق العاده را کسانیکه تقاضای تشکیل آنرا نموده اند تعیین میکنند و رئیس هیئت مدیره منتها تا یکماه پس از وصول چنین تقاضایی جلسه را تشکیل میدهد .

در جلسات شورایعالی غیر از آنچه در دستور معین شده است مذاکراتی نخواهد شد .
 مدیران شرکت و هیئت بازرسی میتوانند در جلسات شورایعالی حضور پیدا کنند ولی

حق رأی نخواهند داشت .
 تبصره ۱ - دستور جلسه و ترازنامه و بودجه سالیانه شرکت و کلیه پیشنهاد های هیئت مدیره لا اقل بانزده روز قبل از تشکیل جلسه شورای عالی باید در اختیار کلیه اعضای

آن گذارده شود .

تبصره ۲ - هزینه مسافرت اعضا، شورایعالی و اقامت آنها درخمرشهر در مدتیکه برای تشکیل جلسه لازم است بعهده شرکت میباشد .

ماده ۲۱ - وظایف شورایعالی علاوه بر آنچه در مواد دیگر این لایحه قانونی تصریح گردیده بقرار ذیل است :

الف - اتخاذ تصمیم نسبت بگزارش سالیانه هیئت مدیره و تصویب ترازنامه و حساب سود و یازیان شرکت با توجه بگزارش هیئت بازرسی .

ب - اتخاذ تصمیم نسبت بافزایش سرمایه و اندوخته های شرکت .

ج - تصویب بودجه سالیانه شرکت و اعتبارات اضافی .

د - اتخاذ تصمیم نسبت بتشکیل شرکتهای فرعی .

ه - تصویب اصول و روش کلی کار و آئین نامه های استخدامی و اداری و تشکیلاتی و آئین نامه معاملات .

و - اتخاذ تصمیم نسبت بهر موضوع دیگر که از طرف مدیر عامل در دستور جلسه گذاشته شده باشد .

تبصره - مقررات و ترتیبات شرکت سابق نفت انگلیس و ایران تا آنجائیکه منافات با ملی شدن صنعت نفت و اساسنامه حاضر نداشته باشد و تازمانیکه تصمیم یا تصویب مخالفی ضمن آئین نامه های بعد از طرف هیئت مدیره اتخاذ شده باشد بقت خود باقی خواهد بود .

ماده ۲۲ - اموریکه در دستور جلسه شورایعالی گذاشته شده است در صورتیکه در جلسه معینه منتهی بان اتخاذ تصمیم نشود باید در جلسه های دیگری که روزهای بعد متوالیا تشکیل خواهد شد نسبت بآن تعیین تکلیف شود

مادہ ۲۳ - جلسات شورای عالی با حضور لا اقل ۵ نفر تشکیل میشود کلیه تصمیمات باید لا اقل با موافقت ۴ نفر از اعضا، شوردا باشد .

آقایان وزیران عضو شوروی مکلفند در جلسه شرکت نمایند ولی عدم حضور آنها در صورت حضور ۵ نفر دیگر مانع تشکیل شوردا نخواهد شد ولی رئیس هیئت مدیره عدم حضور آنها را بقوه مقننه گزارش خواهد داد .

مادہ ۲۴ - صورت جلسات شورای عالی باید در دفتر مخصوصی که برای این منظور تهیه شده درج و ذیل هر صورت جلسه را تمامی اعضا، حاضر امضاء کنند این دفتر در صندوق مخصوص در مرکز شرکت نگاهداری می شود و صندوق را رئیس و منشی جلسه مهر و موم می نمایند .

فصل پنجم - هیئت مدیره

مادہ ۲۵ - هیئت مدیره مرکب خواهد بود از یک مدیر عامل ایرانی که ریاست هیئت مدیره نیز با او خواهد بود و ۴ مدیر مست بشرح زیر که هر یک مسئول و اداره کننده یکی از ارکان اصلی عملیات شرکت بوده و در رشته بخصوص دارای سابق علمی و عملی لازم باشند .
مدیران فستهای شرکت نیز اصولا ایرانی خواهند بود ولی در صورت لزوم و با موافقت هیئت وزیران قوه مقننه امکانست از اتباع خارجه انتخاب شوند .

- ۱- مدیر بالایشگاه .
- ۲- مدیر استخراج .
- ۳- مدیر بازرگانی .
- ۴- مدیر امور اداری .

تبصره ۱ - شورای عالی می تواند در صورت لزوم و با ذکر دلایل پیشنهاد هیئت مدیره تا ۴ نفر مدیر دیگر بوسیله دولت بقوه مقننه پیشنهاد نماید بطوریکه عده مه مه ران بعدا کثر بالغ بر ۸ نفر گردد

تبصره ۲ - هیئت مدیره در اولین سال تشکیل خود سازمان عمومی شرکت و اختیارات و روابط مدیران اصلی و مدیران جز، را با رعایت اصل همکاری و هم آهنگی از یکطرف و تفکیک و تشخیص مسئولیت و وظائف از طرف دیگر تنظیم خواهد کرد .

مادہ ۲۶ - هیئت مدیره برای مدت ۶ سال بطریق ذیل انتخاب میشوند :

مدیر عامل به پیشنهاد دولت و تصویب قوه مقننه و فرمان های مبنی برای مدت شش ساله تصویب میشود .

سار اعضا، هیئت مدیره به پیشنهاد مدیر عامل و تأیید شوروی عالی و تصویب هیئت دولت انتخاب خواهند شد .

مادہ ۲۷ - در فروردین ماه دومین و چهارمین سال اجراء این اساسنامه يك ثلث یا کثر دیگرین عدد يك ثلث از مدیران بحکم قرعه خارج خواهند شد و جانشین آن بطور مذکور در ماده ۲۶ انتخاب خواهند شد و از آن بعد در انقضای هر دو سال نسبت به مدیر بامدیرانیکه دوره ۶ ساله آنها سر رسیده باشد تجدید انتخاب بعمل خواهد آمد .

تبصره ۱ - رئیس هیئت مدیره و مدیرانیکه مدت خدمت آنها بقوه مقرر پایان یافته ممکنست مجدداً انتخاب گردند .

تبصره ۲ - مادام که تجدید انتخاب بعمل نیامده مدیر عامل و مدیران سابق بقدمت خود ادامه میدهند .

ماده ۲۸- درمورد فوت یا استعفای هر يك از اعضای هیئت مدیره بر ترتیب مقرر تجدید انتخاب بعمل می آید و شخصیکه بدین ترتیب انتخاب میشود مدت مأموریت او تا انتهای مدت مأموریت کسی است که فوت نموده و با استعفا داده است .

ماده ۲۹- هر مدیری که در جلسه متوالی با ۵ جلسه متناوب در سأل بدون عذر موجه در جلسات هیئت مدیره حاضر نشود و یا هر مدیری که بنا بر تشخیص و پیشنهاد مدیر عامل و تصویب لا اقل دو نفر دیگر از اعضای هیئت مدیره مفسر یا فاقد صلاحیت شناخته شود از شغل مدیری برکنار می شود .

تشخیص موجه بودن عذر با رئیس هیئت مدیره است شورایی نیز میتواند با ذکر دلیل عزل مدیر عامل را بوسیله دولت از قوه مقننه و هر يك از مدیران را قبل از اختتام دوره انتصابش از هیئت دولت خواستار شود .

شخصی که بجانشینی مدیر عامل و مدیران مذکور در این ماده انتخاب میشود فقط تا انتهای دوره خدمت مدیر سابق شاغل خواهد بود پس از اتمام دوره خدمت مجدداً قابل انتخاب است .

ماده ۳۰- اگر در نتیجه اختلاف اکثریت هیئت مدیره استعفا بدهند انتخاب کلیه اعضای هیئت تجدید می شود و افراد هیئت سابق ممکن است مجدداً انتخاب شوند ولی اگر در چهار سال پیش از يك بار این عمل تکرار شود تا دو سال اشخاص مستعفی از انتخاب مجدد محروم خواهند بود .

ماده ۳۱- وظائف رئیس هیئت مدیره (مدیر عامل) عبارتست از مراقبت در کلیه امور مربوطه شرکت بر طبق اساسنامه و اجرای تصمیمات هیئت مدیره مشارالیه در مقابل شورای عالی مسئول است و شورایی حق دارد از اوراق باقائامات و تصمیمات مربوط به شرکت توضیح بخواهد .

ماده ۳۲- رئیس هیئت مدیره میتواند یکی از مدیران را به مسئولیت خود بعنوان نایب رئیس انتخاب نماید نایب رئیس در مواقع غیبت ضروری و کسالت و مسافرت مدیر عامل قائم مقام او خواهد بود و همچنین هر يك از مدیران میتوانند با تصویب هیئت مدیره یکی از کارمندان ارشد قسمت مربوط بخود را به مسئولیت خود بعنوان قائم مقام خود به هیئت مدیره معرفی نماید .

شخص مزبور در صورت غیبت اضطراری مدیری که بجای او معرفی شده در جلسات هیئت مدیره شرکت میکند .

ماده ۳۳- رئیس هیئت مدیره در محاکم نماینده شرکت است و میتواند وکیل با حق وکیل غیر معین نماید و بطور کلی در مقابل دیگران نماینده شرکت خواهد بود .

ماده ۳۴- هیئت مدیره بر طبق مقررات این اساسنامه مسئول و اداره کننده امور شرکت می باشد و جلسات عادی آن در هر ماه بیش از يك بار نخواهد بود . مقر مدیر عامل در مرکز اصلی شرکت و مقر مدیران دیگر که هر يك در مقابل مدیر عامل مسئول قسمت خود خواهند بود در مرکز مربوط میباشد .

ماده ۳۵- وظائف خاصه هیئت مدیره از اینقرار است :

الف - تصویب برنامه عملیات شرکت که هر يك از مدیران عامل بتوسط رئیس هیئت پیشنهاد می نماید .

ب - تعیین خط مشی کلی و جهات عمومی شرکت و ربط مابین وظائف و اختیارات هر يك .

ج - پیشنهاد بودجه سالیانه شرکت و اعتبارات اضافی شورای عالی در هر موقع که ضرورت پیدا نماید.

د - تنظیم و تصویب آئین نامه های استخدامی و اداری و تشکیلاتی و آئین نامه های معاملات طبق اصول و روش کلی که بتصویب شورای عالی رسیده باشد.

ه - مطالعه و پیشنهاد تشکیل شرکت های فرعی که برای انجام قسمتی از عملیات شرکت آنها لازم باشد بشورای عالی با ذکر شرایطی که تحت آن شرایط سهام این شرکتها باید باشخص متفرقه فروخته شود.

و - بحث و اتخاذ تصمیم نسبت به موضوع دیگر که رئیس هیئت مدیره مستقلاً با پیشنهاد یکی از اعضاء هیئت مدیره طرح آنرا ضروری تشخیص دهد.

ماده ۳۶ - الف - شرکت نمیتواند بدون تصویب قانون مخصوص هیچگونه وامی در خارج یا داخل ایران بگیرد ولی میتواند استفاده از اعتبار بشکل صدور اسناد تجارتي و غیره بنماید که مدت آن از سررسید بدوی و تجدیدی جمعا از یکسال تجاوز نکند.

استفاده از این قبیل اعتبارات هر چند که مربوط به معاملات نسبه باشد هر وقت که مجموع آن بحدس سرمایه شرکت برسد نسبت بایجاد از خمس اجازه شورای عالی لازم است.

ب - دادن وام از طرف شرکت ممنوع است مگر بکارمندان و کارگران و شعب تابعه که میزان و شرایط آن طبق آئین نامه مخصوصی تعیین خواهد شد.

ماده ۳۷ - قراردادهای مربوط بفروش مواد نفتی که مدت آن از ۵ سال تجاوز نکند بتصویب هیئت مدیره خواهد رسید و قراردادهایی که مدت آن از ۵ سال تجاوز کرده ولی زائد بر ۱۰ سال نباشد به پیشنهاد هیئت مده و تصویب شورای عالی خواهد رسید و قراردادهایی که مدت آن زائد بر ۱۰ سال باشد به پیشنهاد هیئت مدیره و موافقت شورای عالی و تصویب قوه مقننه خواهد بود. در هر حال برای فروش بیش از ۲ میلیون تن در سال بیک مشتری و یا بیش از نلت محصول سالیانه اجازه قوه مقننه لازم خواهد بود.

ماده ۳۸ - حقوق اعضاء هیئت مدیره و هیئت بازرسی پیشنهاد رئیس هیئت مدیره و تصویب شورای عالی تعیین میشود و حقوق رئیس هیئت مدیره از طرف هیئت وزراء تعیین میگردد.

ماده ۳۹ - مدیر عامل و اعضاء هیئت مدیره و هیئت بازرسی نباید اشتغالی اعم از دولتی با غیر دولتی اقتضاً با بطور موظف داشته باشند و در صورت اشتغال بچنین شغلی از شغلی که در شرکت ملی نفت ایران داشته اند مستعفی شناخته خواهند شد. اشخاص مذکور نباید در شرکتها و مؤسسات و تجارتخانه ها یکم منظور عمده آنها معامله با شرکت ملی نفت بوده یا رقیب این شرکت میباشند سهم یا ذینفع باشند و در صورت ثبوت تغلف مستعفی شناخته خواهند شد.

ماده ۴۰ - مادام که هیئت مدیره از ۵ نفر تشکیل میشود جلسات آن با حضور ۳ نفر رسمیت داشته و تصمیمی که با موافقت مدیر عامل ۲ نفر دیگر اتخاذ شود معتبر خواهد بود و هر گاه عده هیئت مدیره از ۵ نفر بیشتر باشد جلسات آن با حضور ۵ نفر رسمیت داشته و تصمیمات آن با کثرت آراء معتبر خواهد بود و در صورت تساوی آراء طرفی که رئیس هیئت مدیره آن طرف باشد برنده اکثریت خواهد بود - هر قسمت از مذاکرات راکه هیئت مدیره محرمانه تشخیص دهد باید در صورت جلسه مخصوصی درج و محرمانه بودن آن قید شود.

ماده ۴۱ - هیچک از مدیران در اموریکه اختصاصاً خود و بازوجه و باوالدین یا فرزندان یا برادران و خواهران آنها ذینفع هستند حق رای نخواهند داشت.

فصل ششم - هیئت بازرسی

ماده ۴۲ - هیئت بازرسی مرکب از ۳ نفر که دارای تجربیات و معلومات کافی در امور حسابداری صنعتی و بازرگانی باشند و برای مدت ۳ سال پیشنهاد دولت و تصویب قوه مقننه تعیین خواهند شد در هر يك از سالهای اول و دوم (یکمته پس از تصویب ترازنامه سال قبل شرکت) بقید قرعه یک نفر از بازرسان از کار خارج میشود و دولت در ظرف ۱۵ روز پس از تصویب ترازنامه یک نفر را بجای او برای تصویب بقوه مقننه معرفی مینماید .

عضو خارج شده را میتوان مجدداً پیشنهاد نمود و مادام که جانشین او تعیین و مشغول کار نشده کسانی مشغول و مسئول خواهد بود . اقتراح دفعه دوم شامل بازرسانی خواهد بود که پس از قرعه قبلی باقی مانده اند و پس از يك دور تویض ماموریت هر يك از اعضای هیئت بازرسی ۳ سال ادامه خواهد داشت .

ماده ۴۳ - هیئت بازرسی مسئول بازرسی منظم و مستمر کلیه حساب های شرکت میباشد .
ماده ۴۴ - هر گاه در عرض سال محل بازرسی بواسطه فوت یا استعفاء خالی شود برای تصدی آن محل دولت شخصی را که دارای صلاحیت باشد بقوه مقننه پیشنهاد مینماید و تا تعیین اوساير بازرسان بکار خود ادامه میدهند .

ماده ۴۵ - هیئت بازرسی میتوانند در صورت احتیاج از حساب رس های منحصص : یا هیأت های مشاوره حسابرسی خواه تبه داخله یا خارجیه باشد برای مدت معینی و کار معینی کمک بگیرد .

ماده ۴۶ - هیئت بازرسی باید بمحاسبات و عملیات مالی شرکت و همچنین حساب دارائی بدهی و سود و زیان شرکت رسیدگی نموده و هر (۶) ماه یکمرتبه گزارش جامعی از وضعیت مالی شرکت برای اطلاع شورا بمالی تهیه نماید .

ماده ۴۸ - هیئت بازرسی حق دارد بکلیه دفاتر و پرونده های محاسباتی و اسناد خرج و درآمدهای شرکت مراجعه نموده و کلیه اشتباهات و تخلفات را بروسای مربوطه و بامدیران مربوطه گزارش دهد و اگر نسبت باین گزارش در ظرف مدت ۲ هفته اقدام لازم بعمل نیاید هیئت بازرسی مراتب را مستقیماً به هیئت مدیره گزارش خواهد داد .

تبصره - مدیر عامل و مدیران شرکت قسمتهای جزء هر يك مسئول ابواب جمعی مربوطه نبود میباشد و نمی توانند عملیات و اقدامات خود را موقوف و متوقف بامضای هیئت بازرسی یا نماینده هیئت مزبور بنمایند و عمل بازرسان هیچوجه نباید مانع جریان کار های قسمت های مختلف شرکت گردد .

ماده ۴۹ - گزارش سالانه هیئت بازرسی باید بترازنامه که بامضاء هیئت مدیره رسیده است ضمیمه شود

ماده ۵۰ - هیئت بازرسی باید در جلسه شورا بمالی که بترازنامه رسیدگی میشود برای داء توضیحات حضور یابند .

فصل هفتم - ترازنامه و حساب سود و زیان

ماده ۵۱ - سال مالی شرکت از اول فروردین هر سال شروع گشته و در آخر سفند همان سال خاتمه می یابد و نخستین سال مالی از روز تاسیس شرکت تا آخر اسفند مال تاسیس است .

ماده ۵۲ - دفاتر محاسباتی شرکت باید پلمپ شده و طبق مقررات قسائونی

بازرگانی باشد. عده و نوع دفاتر لازم: نمونه آن را هیئت مدیره با تصویب شورای عالی تبیین خواهد کرد.

ماده ۵۳ - کلیه دفاتر شرکت در آخر اسفند بسته شده و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت لااقل در ظرف ۳ ماه از اول سال بعد تهیه و در اختیار هیئت بازرسی گذاشته خواهد شد.

ماده ۵۴ - تصویب تراژ نامه شرکت از طرف شورای عالی مفاسد حساب هیئت مدیره محسوب است.

ماده ۵۵ - مبلغی که در نتیجه ترقی قیمت تاسیسات و سایر اموال شرکت اعم از منقول یا غیر منقول حاصل میشود بحساب سود شرکت برده نخواهد شد.

ماده ۵۶ - سود خالص شرکت عبارتست از سود غیرخالص پس از وضع هزینه ها و استهلاك ها که بر ترتیب زیر عمل خواهد شد:

الف - از سود خالص مبلغی معادل لااقل ۱۰ درصد بحساب ذخایر عمومی شرکت انتقال داده میشود.

ب - به پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب شورای عالی مبلغی برای انتقال بحساب آینده برده خواهد شد.

ج - بقیه مطلق بخرانه دولت است که طبق قانون مخصوص بصرف عمران و آبادی کشور و تأمین عدالت اجتماعی و امور تولیدی خواهد رسید.

فصل هشتم - مواد مختلفه

ماده ۵۷ - وزارتخانه ها و ادارات و موسسات دولتی موظف بشريك مساعی و تسهیل اموری از شرکت که بآنها مربوط میشود میباشدند. مخصوصاً مامور کشوری و لشگری مقیم در مناطق فعالیت شرکت ملزم بر رعایت مصالح شرکت و توجه به نظریات متصدیان مسئول خواهند بود.

هیئت مدیره میتواند انتقال مامورینی را که تعلق در تشریک مساعی یا ایجاد مزاحمت برای شرکت نمایند از دولت بخواهد و مدیر عامل حق دارد با تصویب هیئت مدیره باداشی بهر مأمور دولتی که خدمت و همکاری شایان باشکرت بکنند بپردازد.

ماده ۵۸ - در شرکت ملی نفت استخدام و استفاده از اشخاص و انجام معاملات صرفاً بنا باحتیاج و مصلحت شرکت و طبق مقررات محسوب خواهد بود.

ماده ۵۹ - هیچک از مدیران و کارکنان شرکت (اعم از کارمندان و کارگر و غیر آن) نمیتوانند هیچگونه تشریه و روزنامه را دایر و منتشر کنند و در صورت اقدام باینکار بفعودی خود مستعفی شناخته شده و بخدمت آنها خاتمه داده خواهد شد.

انتشار مقالات علمی و فنی مانعی نخواهد داشت.

ماده ۶۰ - در مواردی که بموجب مواد ۱۹ و ۲۶ و ۴۱ این اساسنامه انتخابانی باید بوسیله قوه مقننه بعمل آید مادام که این اساسنامه بتصویت قوه مزبور نرسیده است در دوره اختیارات با هیئت وزیران خواهد بود.

فصل نهم - تغییر مواد اساسنامه

ماده ۶۱ - هیچک از مواد این اساسنامه قابل تغییر نیست مگر به پیشنهاد شورای عالی و موافقت دولت و تصویب قوه مقننه.

ماده ۶۲- در دوره انتخابات اصلاحات و تغییرات لازم در این اساسنامه برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مردادماه ۳۱ بمیل خواهد آمد .
 برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مرداد ۳۱ لایحه قانونی اساسنامه شرکت ملی نفت ایران که مشتمل بر (۶۲) ماده و (۱۰) تبصره است تصویب میشود .
 بتاریخ پنجم آذرماه ۳۱ نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۳۳۱۹۹۸

شماره ۱۳۹۹۰

۵۱- لایحه قانونی اصلاح قانون استخدام قضات

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۱۲ آذرماه ۳۱

ماده واحده- کارمندان قضائی را می توان در شهرستانها تا دوپایه بالاتر از پایه قانونی آنها گمارد و حقوق مقام مزبور را بآنها داده مشروط بر اینکه حقوق مقام مزبور از حقوق پایه ۹ بالاتر نشود . وزیر دادگستری فعلی می تواند در ظرف مدت یکماه در تمام مراحل دستگامهای قضائی مرکز کارمندان قضائی را تا دو پایه بالاتر منصوب نموده و در مدت تصدی حقوق آنها نیز دریافت نمایند .

بعلاوه مدت یکماه مزبور مفاد ماده ۱۲ لایحه قانونی استخدام قضات مورخ ۳۱/۶/۲۹ نسبت بکارمندان مرکز قابل اجراء خواهد بود .
 وزارت دادگستری مأمور اجرای این لایحه قانونی است .

برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مردادماه ۳۱ لایحه قانونی اصلاح قانون استخدام قضات مصوب ۳۱/۶/۲۹ تصویب میشود .
 بتاریخ ۸ آذرماه ۳۱ نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

شعبه کتب و مطبوعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۳۱۹۹۸

شماره ۱۳۹۸۲

۵۲- لایحه قانونی هیئت نظارت صنعتی

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۱۲ آذرماه ۳۱

ماده ۱- بمنظور حسن اداره و توسعه و حمایت صنایع کشور و نظارت در اجرای مقررات این لایحه قانونی هیئتی بنام هیئت مرکزی نظارت صنعتی بریاست وزیر اقتصاد ملی و با نام مقام او و به پیشنهاد وزارت اقتصاد ملی و تصویب هیئت وزیران مرکب از پنج نفر بشرح ذیل :

۱- وزیر اقتصاد ملی یا قائم مقام او در مرکز- نماینده وزارت اقتصاد ملی در شهرستانها .

۲- نماینده وزارت کار

۳- نماینده سازمان برنامه

۴- نماینده بانک‌های ایران یا نماینده هر بانک دیگر که در آینده بنظر کمک بصنایع کشور تاسیس شود.

۵- بکنفرم معلم در امور صنعتی.

برای مدت سه سال در وزارت اقتصاد ملی تشکیل خواهد شد.

تغییر اعضاء هیئت مزبور باید متکی بدلائل مثبت و با تصویب هیئت وزیران باشد. اعضاء هیئت بعد از خاتمه سه سال ممکن است مجدداً انتخاب شوند.

ماده ۲- در شهرستانهایی که وزارت اقتصاد ملی مقتضی بداند هیئتهای نظارت صنعتی محلی که تابع هیئت مرکزی خواهند بود بریاست رئیس اقتصاد ملی محل یا جانشین او به پیشنهاد اداره اقتصاد ملی محل و موافقت وزارت اقتصاد ملی مرکب از نمایندگان وزارتخانه‌ها و مؤسسات مذکور در ماده ۱ (در صورت وجود) و یک نفر مطلع در امور صنعتی برای مدت سه سال تشکیل خواهد گردید.

ماده ۳- (وظیفه هیئتهای مزبور نظارت در وضع فنی و مالی و اداری و بهره برداری کارخانه‌ها و کارگاهها و حمایت و راهنمایی آنها در مسائل مذکور و مراقبت و کمک در رفع نقایص و تنظیم و تدوین مقررات مربوطه خواهد بود.

ماده ۴- (کارخانه‌ها و کارگاههایی از حمایت و کمک دولت و مؤسسات و بانکهای دولتی بهره‌مند خواهند شد که مقررات این لایحه قانونی را کاملاً رعایت نمایند و هر نوع کمک فنی یا اقتصادی و اعطاء وام و سفارش هر نوع کالا که از طرف دولت یا مؤسسات دولتی یا بانکها، کارخانه‌ها یا کارگاهها داده میشود از تاریخ تصویب این لایحه قانونی منحصرأ با تأیید هیئت مرکزی نظارت صنعتی انجام خواهد یافت.

ماده ۵- کارخانه‌ها و کارگاهها موظفند نظریات هیئت نظارت صنعتی را در مدتی که از طرف هیئت تعیین میشود بوقوع اجراء گذاشته نتیجه را به هیئت مزبور اطلاع دهند در صورتیکه کارخانه یا کارگاهی از اجرای نظر هیئت نظارت صنعتی خودداری نماید از هر نوع کمکهای مذکور در ماده فوق‌مجموع خواهد گردید و نسبت به جبران کمکهای قبلی مکلف است بشرطی که هیئت مرکزی نظارت صنعتی ضمن آیین‌نامه مربوط تعیین مینماید اقدام کند. بانکهای دولتی حق ندارند بدون جلب نظر هیئت مزبور به هیچ کارخانه یا کارگاهی وام یا اعتبار دهند.

ماده ۶- کسائیکه قانوناً مسئول اداره امور کارخانه هستند چنانچه کمکهای مذکور در این لایحه قانونی را در غیر موردی که از طرف هیئت نظارت صنعتی تعیین میشود مصرف یا از کمکهای مزبور سوء استفاده کنند علاوه بر جبران خسارت بجزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۷- هرگاه اختلافی بین کارخانه یا کارگاه و هیئت نظارت صنعتی محلی از نظر فنی و مالی و اداری و بهره برداری یا مسائل دیگر ایجاد گردد هیئت نظارت مرکزی رسیدگی و نظر خود را بطرفین ابلاغ خواهد کرد و این نظر قاطع خواهد بود.

ماده ۸- تقلیل میزان تولید و همچنین تعطیل کارخانه یا کارگاه فقط باید با اجازه قبلی هیئت مرکزی نظارت صنعتی باشد چنانچه کارخانه یا کارگاهی بمنزل موجبی بخواهد میزان تولید را تقلیل دهد و یا کار را منقطع نماید باید چهل روز قبل مراتب را مستدلانه به هیئت مرکزی یا هیئت نظارت صنعتی محل گزارش دهد.

هیئت نظارت صنعتی محل موظف است پس از دریافت گزارش کارخانه یا کارگاه در ظرف یک هفته مواد آنرا با اظهار نظر صریح خود به هیئت مرکزی نظارت گزارش دهد.

ماده ۹- هیئت مرکزی نظارت صنعتی پس از وصول گزارش کارخانه یا کارگاه و استحضار

از نظر هیئت نظارت صنعتی محل موضوع را کامل مورد رسیدگی قرار میدهد و چنانچه دلایل مندرجه در گزارش برای تعطیل یا تقلیل کافی نباشد مراتب را بعداً کثرت در ظرف یک هفته بکارخانه یا کارگاه و هیئت نظارت صنعتی محل ابلاغ خواهد نمود ولی اگر دلایل را موجه دانست و جلوگیری از تعطیل و تقلیل میزان تولید را ضروری تشخیص داد باید بعداً کثرت در ظرف یک ماه اقداماتی را که برای حصول این منظور لازم بداند بعمل آورد و در غیر اینصورت موظف است بدون فوت وقت موافقت خود را مبنی بر تعطیل یا تقلیل میزان تولید ابلاغ دهد.

ماده (۱۰) هرگاه کسانی که قانوناً مسئول اداره امور کارخانه هستند برخلاف تصمیم هیئت مرکزی نظارت صنعتی و یا بدون عذر موجه کار را تعطیل کنند و یا میزان تولید را تقلیل دهند متعلق محسوب و بر طبق ماده ۹ قانون منع احتکار مصوب ۲۷ اسفند ماه ۱۳۲۰ مجازات میشوند به علاوه هیئت نظارت صنعتی حق خواهد داشت به منظور جلوگیری از تقلیل میزان تولید یا تعطیل کارخانه که مهلت آن بیش از ۱۵ روز نباشد کسانی که قانوناً مسئول اداره امور کارخانه هستند بنماید و چنانچه کارخانه یا کارگاه از اجرای نظر هیئت نظارت صنعتی استنکاف کند هیئت نظارت صنعتی میتواند بهره برداری کارخانه یا کارگاه را عهده دار شود در اینصورت نتیجه عمل کردن بر طبق آئین نامه مربوط پس از وضع هزینه در اختیار کسانی که قانوناً مسئول اداره امور کارخانه هستند خواهد گذاشت.

ماده (۱۱) در نقایح که هیئت نظارت صنعتی تشکیل شده باشد بهای تمام شده محصول کارخانه ها و کارگاهها با تفکیک قیمت مواد اولیه و دستمزد و حقوق و سایر هزینه ها از طرف کارخانه یا کارگاه و هیئت مزبور تعیین و هر سال دوبار بکارخانه و وزارت اقتصاد ملی ارسال خواهد شد که بتوانند ملاک تعیین قیمت فروش محصول واقع گردد و در موارد استثنائی چنانچه تغییراتی در عوامل تولید ایجاد شده باشد بتقاضای کسانی که قانوناً مسئول اداره امور کارخانه هستند و همچنین در صورتیکه هیئت مرکزی نظارت لازم بداند بهای تمام شده مجدداً مورد رسیدگی قرار گرفته و نتیجه بکارخانه یا کارگاه و وزارت اقتصاد ملی ابلاغ میشود.

تبصره - هزینه و حقوق و دستمزد و هر گونه و جری را که هیئت نظارت صنعتی زائد دانسته و بکارخانه ابلاغ نموده باشد جزء بهای تمام شده فوق منظور نخواهد شد.

ماده (۱۲) هیئت مرکزی نظارت صنعتی و هیئتهای محلی بدستور هیئت مرکزی حق مراجعه بدفاتر و اوراق و اسناد کارخانه ها و کارگاهها را دارند.

ماده (۱۳) هیئت مرکزی نظارت صنعتی مکلف است در مدت یکماه از تاریخ تصویب این لایحه قانونی آئین نامه های مربوطه بآنرا تهیه نموده و بوسیله وزارت اقتصاد ملی برای تصویب تقدیم هیئت وزیران نماید.

ماده (۱۴) هیئت نظارت صنعتی مکلف است نسبت باصول حسابداری صنعتی و طرز تهیه بیلان صنعتی و حساب بهای تمام شده محصول طبق اصول فنی متداول تعلیمات کافی و جامع بکلیه کارخانه هاییکه در آن نظارت دارد بدهد و کارخانه های مزبور مکلف باجراه آن می باشند هیئت نظارت صنعتی برای انجام این امر نمونه های چایی تهیه و در اختیار کارخانه ها خواهد گذارد

ماده (۱۵) هیئت نظارت صنعتی دارای تشکیلات ثابت و مستقلمی خواهد بود که تحت نظر وزارت اقتصاد ملی انجام وظیفه نماید.

وزارت اقتصاد ملی مکلف است تشکیلات لازم را بعد اقل احتیاجات برای تأسیس هیئت نظارت صنعتی تدوین نموده و بس از تصویب هیئت وزیران بجاورد اجراء بگذارد برای کارمندان مورد

احتیاج بلااستثناء از کارمندان فنی و معجب دوات اسفاده خواهد شد .
 ماده ۱۶) برای تأمین هزینه های اداری هیئت های نظارت صنعتی نیم در صد مبلغ وام اعطائی از طرف بانکها بکارخانه ها و کارگاههای صنعتی بعنوان کارمزد کسر گردیده و بحساب هیئت نظارت مرکزی پرداخت خواهد شد و حق الزحمه حضور اعضاء هیئتها از محل مزبور قابل پرداخت خواهد بود .
 ماده ۱۷) وزارت اقتصاد ملی - وزارت کار - وزارت کشور - وزارت دادگستری مأمور اجرای این لایحه قانونی میباشند .

برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مردادماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی هیئت نظارت صنعتی مشتمل بر ۱۷ ماده و یک تبصره تصویب میشود .
 تاریخ: آذرماه ۱۳۳۱
 نخست وزیر دکتر محمد مصدق

۳۱۹۹۱۱

شماره ۲۶۸۴۸

۵۳ - لایحه قانونی مطبوعات

فصل اول - تعریف و تاسیس روزنامه و مجله

- ماده ۱ - روزنامه یا مجله نشریه ایست که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام المنفعه و صلاح اندیشی در امور عمومی مرتباً طبع و نشر گردد .
- ماده ۲ - هر کس بخواهد روزنامه یا مجله تاسیس کند باید از وزارت کشور اجازه تحصیل نماید .
- ماده ۳ - درخواست کننده اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد :
- الف - ایرانی باشد .
 - ب - سن او از ۳۰ سال کمتر نباشد .
 - ج - سابقه محکومیت جزائی جزئه یا جنایت نداشته و مجبور نباشد .
 - د - سواد خواندن و نوشتن فارسی بقدر کفایت داشته باشد .
- درخواست کننده باید برای مخارج تاسیس و لااقل هزینه شش ماه نشریه مورد تقاضا اعتبار بانکی کافی ارائه نماید .
- تبصره - در صورتی که مؤسس یا مدیر روزنامه یا مجله فاقد یکی از شرایط مذکور بند الف یا بند ج این ماده بشود اجازه انتشار روزنامه یا مجله او اردرجه اعتبار ساقط میگردد .
- ماده ۴ - درخواست کننده اجازه علاوه بر مدارک لازمه اظهارنامه ای شامل اطلاعات ذیل در تهران بوزارت کشور و در شهرستانها بفرمانده محل تسلیم خواهد نمود :
- ۱ - نام و نام خانوادگی مؤسس و همچنین نام و نام خانوادگی مدیر و یا سردبیر اگر مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد .

- ۲ - محل اداره روزنامه یا مجله .
- ۳ - نام و نشانی چاپخانه ای که روزنامه یا مجله در آن چاپ میشود .
- ۴ - نام روزنامه یا مجله و ترتیب چاپ آن که بومیهاست یا هفتگی یا ماهانه
- ۵ - عده نسخه‌هایی که از هر شماره چاپ میشود .
- ۶ - روش روزنامه یا مجله .
- تبصره - هر گونه تغییری که نسبت به موارد فوق پیش آید مدیر موظف است در ظرف یک هفته به اطلاع وزارت کشور و فرماندار محل برساند .
- ماده ۵ - درخواستهای تأسیس روزنامه یا مجله بوسیله هئتی مرکب از مدیر آن وزارت کشور - رئیس اداره نگارش وزارت فرهنگ و دادستان شهرستان طهران یا نماینده او رسیدگی میشود و نسبت به درخواستهاییکه واجد شرایط قانونی باشد اجازه نامه از طرف وزارت کشور صادر خواهد گردید .
- تبصره ۱ - مدت اعتبار اجازه نامه‌ها برای شروع انتشار ششماه است .
- تبصره ۲ - وزارت کشور دفتری ترتیب خواهد داد که در آن نام روزنامه‌ها و مجلاتی که اجازه آنها صادر شده است با مشخصات هر یک مرتباً ثبت میشود صدور اجازه به اسامی مکرر یا نامناسب و مستهجن ممنوع است و بهیچکس برای انتشار روزنامه یا مجله بیش از یک اجازه داده نخواهد شد
- ماده ۶ - مدیر هر روزنامه یا مجله باید برای اداره خود دفاتر محاسباتی بلیط شده بر طبق قانون تجارت تهیه نماید که کلیه مخارج و درآمد اداره منظمأ در آن ثبت گردد و بیلان سالانه در ۱۰۰ و مخارج خود را بگواهی دادستان یا نماینده او رسانیده و در اولین شماره ماه سوم سال به برای اطلاع عامه انتشار دهد . دادستان شهرستان یا نماینده او موظف است لااقل ۳ ماه یکبار دفاتر مزبور را بازرسی و امضاء نماید .
- ماده ۷ - هر روزنامه یا مجله ممکنست علاوه بر موسس مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد در این صورت مدیر و سردبیر باید واجد شرایط مقرر در ماده ۳ باشند .
- ماده ۸ - در هر شماره روزنامه و مجله باید نام و نام خانوادگی موسس و در صورتیکه مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد نام و نام خانوادگی مدیر و سردبیر و همچنین نام و نشانی چاپخانه‌ای که در آن بطبع میرسد قید شود در مورد کتب و رسالات نیز نام موافق یا مترجم و ناشر و همچنین نام و نشانی که در آن بچاپ رسیده پشت کتاب یا رساله باید چاپ شود .
- ماده ۹ - وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و دستگاههاییکه دارای شخصیت حقوقی هستند در صورتیکه بخواهند نشریه مرتبی داشته باشند باید مدیر واجد شرایط معرفی کنند .
- ماده ۱۰ - اجازه نامه روزنامه‌ها و مجلاتیکه تا تاریخ تصویب این لایحه یک سال تمام مرتب منتشر شده باشند بوقت خود باقی هستند وزارت فرهنگ مکلف است در ظرف یکماه از تصویب این لایحه قانونی فهرست آنها را با اطلاعات لازمه نسبت به هر یک با دقت تهیه و بوزارت کشور بفرستد .
- مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که یکسال تمام منتشر نشده‌اند میتوانند در ظرف یکماه از تاریخ اجرای این لایحه قانونی درخواست خود را بر طبق مواد ۳ و ۴ بوزارت کشور تسلیم نمایند و وزارت کشور مکلف است در ظرف ۲ ماه تکلیف این درخواستها را معاموم نماید .
- مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که بر طبق این ماده عمل نکنند و یا درخواست آنان با مواد ۳ و ۴ منطبق نباشد اجازه نامه آنان برای انتشار روزنامه یا مجله از درجه اعتبار ساقط است .

ماده ۱۱ - هیچکس نمی تواند اجازه نامه روزنامه یا مجله خود را بدیگری واگذار کند مگر اینکه آن شخص واجد شرایط مقررہ برده و انتقال بتصدیق وزارت کشور برسد .
 ماده ۱۲ - در صورت فوق موسس چنانچه در میان وراث کسی واجد شرایط باشد با موافقت کتبی سایر وراث و یا قائم مقام قانونی آنان در صورت تقاضا اجازه بنام او صادر میشود و الا وراث میتوانند با معرفی مدیر واجد شرایط و تصویب وزارت کشور آن روزنامه یا مجله را منتشر نمایند .

فصل دوم - حق جوابگویی - مقررات صنفی - آئین نامه های مطبوعاتی

ماده ۱۳ - موسسات دولتی و عمومی و همچنین افراد، مردم اعم از ماورین دسی یا غیر آنها هر گاه در روزنامه یا مجله مطالبی مشتعل بر تهمت و افتراء یا اخبار مخالف واقع نسبت بخود مشاهده کردند حق دارند جواب آن مطالب را کتباً برای روزنامه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است اینگونه توضیحات و جوابها را که پیش از میزان مطلب اصلی نباید باشد در همان صفحه و با حرفی که مطلب اصلی را چاپ کرده مجاناً و بلا تاخیر بطبع برساند و نسبت براه بر آن میزان جرایم دهنده حق الطبع معمولی را خواهد پرداخت همین تکلیف شامل روزنامه ها و مجلاتی که مطالب مشتعل بر تهمت و افتراء یا اخبار مخالف واقع را از مطبوعات دیگر نقل نمایند خواهد بود .

در صورتی که روزنامه یا مجله علاوه بر جواب مطالب و یا توضیحات مجددی چاپ نماید حق جوابهای مجدد برای متعرض محفوظ خواهد بود .

ماده ۱۴ - وزارت کشور میتواند بوسیله اداره کل انتشارات و تبلیغات نسبت بشکلیل جامعه روزنامه نگاران اقدام نماید این جامعه پس از تشکیل سهی خواهد نمود موجبات ترقی و پیشرفت مطبوعات را بوسیله مقررات صنفی فراهم سازد و در مسائل مطبوعاتی طرف مشاوره دولت قرار خواهد گرفت .

ماده ۱۵ - وزارت کشور و فرهنگ و دادگستری مکلفند برای تنظیم امور چاپخانه ها مطبع کتب و رسالات و اعلانات و کتابفروشیها و توزیع جرایم روزنامه فروشها و همچنین نسبت بشرايط و حقوق و امتیازات جبرنگاران و مخبرین عکاس آئین نامه های لازم را تهیه و بهیئت وزیران پیشنهاد نمایند در این آئین نامهها برای توزیع و فروش روزنامه ها و مجلات و رسالاتی که بزبانهای خارجی و یابزبانهای فارسی در خارج ممنتک چاپ شده است مقررات لازم باید پیش بینی شود .

فصل سوم - جرائم مطبوعاتی

ماده ۱۶ - اشخاصیکه بوسیله نشر مقالات و یا جعل اخبار در مطبوعات مرتکب یکی از جرائم ذیل شوند بحسب تادیبی از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم میشوند :
 الف - کسانیکه مردم را صریحاً تحریص و تشویق بخیر انکاری و آتشسوزی و قتل و غارت و سرقت نمایند .

ب - کسی که افسران و افراد ارتش را بنا فرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی ترفیب و تشویق کنند .

در موارد مذکور در این ماده چنانچه تحریص و ترفیب موثر واقع شود و جرائم منظور اتفاق افتد اشخاص مذکور در بند الف ب مجازاتی محکوم خواهند شد که در قانون مجازات عمومی برای معاون همان جرم پیش بینی شده است :

ماده ۱۷ - اشخاصیکه دستورهای مجرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و

استحکامات نظامی را در زمان جنگ بوسیله مطبوعات فاش و منتشر کنند بعینس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد و چنانچه در زمان جنگ نباشد بکش ماه تا دو سال محکوم می شوند .

ماده ۱۸ - هر کس مقاله ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد سه ماه نسا

یکسال حبس تادیبی محکوم میشود .

ماده ۱۹ - هر کس بوسیله روزنامه یا کتاب مردم را صریحا به ارتکاب جنحه یا جنایتی

برشد امنیت داخلی یا خارجی مملکت که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تجریس و

تشویق نماید در صورتیکه اثری بر آن مترتب شده باشد بجایزات معاونت همان جرائم محکوم خواهد

شد و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود بیکماه تا ۳ ماه حبس تادیبی با پرداخت ۲ هزار تا ۲۰

هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد .

ماده ۲۰ هر کس بوسیله مطبوعات از جرائم مذکور در مواد فون و یا مرتکبین آن

اعمال بنحوی از انشاء تقدیر و تمجید کنند بجز بیه نقدی از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال

محکوم می شود .

ماده ۲۱ - هر کس بوسیله روزنامه یا مجله ببقام سلطنت و یا شخص شاه توهین کند بجایزات

مندرج در بند یک ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی محکوم میشود .

ماده ۲۲ - هر کس بوسیله مطبوعات نسبت بر رئیس یا نماینده سیاسی مملکت خارجی که

بایران روابط دوستانه دارد توهین نماید طبق بند دوم ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی محکوم

میشود مشروط بر اینکه در آن مملکت نیز در موارد مذکوره نسبت به ایران معامله متقابل شود .

ماده ۲۳ - در جرائمی که ذیلا ذکر میشود :

الف - انتشار مقالات مضر بهفت عمومی و یا مضر به اخلاق حسنه .

ب - انتشار صورتبچه

ج - انتشار آگهی ها و عکسهای مخالف اخلاق حسنه و آداب و رسوم ملی .

د - انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری و یا انتشار تحقیقات و تصدیقات مراجع

قضائی که قانونا انتشار آنها ممنوع است .

مرتکب بنادیه بیکهزار تا ده هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد .

ماده ۲۴ - هر یک از افراد مردم اعم از مامورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله

باهر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل بر تهمت و افتراء و یا فحش و الفاظ رکیکه و یا نسبت های

توهین آمیز در زندگانی خصوصی و یا هتک شرف و ناموس و امثال آن نسبت بفعود مشاهده نماید

میتواند از نویسنده یا ناشر آن بدادگاه شکایت نماید مرتکب بدوماه تا ششماه حبس تادیبی و از یک

هزار ریال تا ۵ هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد .

تبصره ۱ - در موارد فون شاکنی نیز میتواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که

از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده بدادگاه حقوقی دادخواست تقدیم نماید و دادگاه مکلف است

نسبت بآن رسیدگی و مبلغ خسارت را تعیین و مورد حکم قرار دهد .

تبصره ۲ - هر گاه انتشار مطالب مذکوره در ماده فوق راجع باموات ولی قصد هتاک

بازماندگان آنان باشد هر یک از ورته قانونی میتواند بر طبق ماده و تبصره فوق شکایت نماید .

ماده ۲۵ - هر کس بوسیله مطبوعات دیگری را تهدید بهتک شرف و حیثیت بانشاء

سری نماید در صورتی که ثابت شود این تهدید برای استفاده مادی یا تقاضای انجام امری یا خودداری

از انجام امری بوده است بعینس تادیبی از ۳ ماه تا یکسال و بپرداخت غرامت از یک هزار ریال تا ۵

هزار ریال محکوم خواهد شد .

هزارریال محکوم خواهد شد .

ماده ۲۶ - هر کس بوسیله مطبوعات بوزراء یا معاونین وزارتخانه‌ها و یا یکی از مستخدمین دولت اعم از قضائی و انزائی و لشکری و اعضاء دیوان محاسبات و نمایندگان مجلس و رؤساء و اعضاء انجمنهای شهرداری یا ایالتی و ولایتی با نسبت به اعضاء هیئت منصفه و یا اعضاء اطاق بازرگانی و با مقامات رسمی دیگر بسبب انجام وظایف محوله با آنان اهانت نماید و یا آنان را در انجام وظایفشان مورد تهمت و افتراء قرار دهد بجزس تأدیبی از ۳ ماه تا یکسال و پرداخت غرامت از یک هزارریال تا ۵ هزارریال محکوم خواهد شد .

تبصره - در صورتیکه اسناد دهنده صحت امور منتهیه را در دادگاه ثابت نماید از مجازات معاف است متهم باید پس از تعقیب منتهی در ظرف ده روز مدارک و شهود خود را برای اثبات نسبتهاییکه داده است تسلیم و معرفی نماید .

ماده ۲۷ - هر کس بوسیله مطبوعات با تقلیدهای مذهبی یا نژادی ساکنان ایران برای تولید نفاق و اختلاف و یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید و یا آنان را با ایجاد دشمنی و نفاق نژادی و یا مذهبی تعرض کند بیک ماه تا شش ماه حبس تأدیبی و یا پرداخت یا تصدات پنجمین هزارریال غرامت محکوم خواهد شد .

ماده ۲۸ - هر کس در انتشار روزنامه یا مجله خود از نام یا کلیشه روزنامه دیگر تقلید نماید که سوء استفاده محسوب شود به تقاضای شاکی خصوصی از بانصد تا پنجمین هزارریال جزای نقدی و تعطیل روزنامه یا مجله محکوم خواهد شد و شاکی خصوصی میتواند خسارات خود را مطالبه نماید و دادگاه مکلف است نسبت بآن نیز رسیدگی کند .

ماده ۲۹ - در کلیه جرائم مذکور در مواد فوق مدیر یا نویسنده مورد تعقیب قرار خواهد گرفت ولی هرگاه نویسنده معروف و مقیم ایران باشد مدیر از تعقیب معاف است و اگر مدیر از معرفی نویسنده عاجز باشد یا خودداری کند و یا نویسنده قابل تعقیب جرائمی نباشد خود مدیر تعقیب و مجازات خواهد شد .

ماده ۳۰ - در کلیه موارد مذکور در مواد فوق آنجا که جرم جنبه هتک حرمت یا توهین و یا افتراء نسبت باشخاص دارد تعقیب مرتکب منوط بشکایت شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او است و در صورت استرداد شکایت تعقیب موقوف خواهد .

فصل چهارم - تخلفات

ماده ۳۱ - هر کس برخلاف مواد ۲ یا ۱۰ یا ۱۱ یا ۱۲ و یا تبصره ۱ ماده پنجم این لایحه قانونی مبادرت بانتشار روزنامه یا مجله کند به پرداخت دوهزار تا ده هزارریال محکوم میشود .

تبصره - در موارد فوق فرماندار محل دستور تعطیل روزنامه یا مجله را می دهد و مراتب را برای تعقیب قانونی مرتکب بدادستار شهرستان اعلام خواهد نمود .

ماده ۳۲ - هر کس برخلاف ماده ۸ یا ۶ یا ۱۳ این لایحه قانونی اقدام کند بپرداخت بیکهزار تا پنجمین هزارریال و یا در ماه تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم میشود .

ماده ۳۳ - مطبوعاتی که در آن دستور ماده ۸ مراعات نشده باشد قابل انتشار نیست و در صورت اقدام بانتشار از طرف ماورین انتظامی جمع آوری و ضبط خواهد شد . و در صورتی که نام چاپخانه یا سایر نامهای مذکور در ماده ۸ برخلاف واقع چاپ شده باشد مرتکب بعد اکثر مجازات مذکور در ماده ۳۲ محکوم میشود همین مجازات در باره مدیران چاپخانه هتیکه ماده ۸ را رعایت نکنند اعمال میشود .

ماده ۳۴ - نشریه ای که مشمول ماده اول این لایحه قانونی نباشد تا سه روزنامه یا مجله بر آن صدق نمی کند و تابع قوانین عمومی است .

فصل پنجم - دادرسی مطبوعاتی - هیئت منصفه

ماده ۳۵ - جرائمی که بوسیله روزنامه یا مجله واقع میشود جرائم مطبوعاتی است .
 ماده ۳۶ - جرائم مطبوعاتی بر طبق اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی در دادگاه جنائی دادگستری با حضور هیئت منصفه رسیدگی می شود .

ماده ۳۷ - مرجع شکایات، مطبوعاتی دادرسی شهرستان هر محل است و دادسراهای مزبور پرونده را برای رسیدگی بدادگاه جنائی ارسال خواهند داشت .

ماده ۳۸ - انتخاب هیئت منصفه و ترتیب شرکت اعضاء آن در رأی دادگاه بطریق زیر خواهد بود :

الف - هر دو سال یکبار در آذرماه در تهران و مراکز دیگر که دارای دادگاه استان میباشد هیئتی مرکب از فرماندار و رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر (در صورتی که انجمن شهر وجود نداشته باشد شهردار) و نماینده فرهنگ بدعوت فرماندار تشکیل میشود . هیئت مزبور در تهران صورتی از دو بیست نفر از طبقات هشت گانه ذیل :

- ۱ - طبایع و دانشندان و نویسندگان .
- ۲ - وکلای دادگستری و سردفتران .
- ۳ - بازرگانان .
- ۴ - دبیران و آموزگاران .
- ۵ - ملاکین و کشاورزان .
- ۶ - کارگران .
- ۷ - اصناف .
- ۸ - پیشه واران جزء .

از هر طبقه فهرستی مشتمل بر ۲۵ نفر تهیه میکنند اشخاص منظور در صورتها باید علاوه برداشتن حسن سابقه واجد شرایط انتخاب شدن برای نمایندگی مجلس شورای ملی و در مقر دادگاه مقیم باشند پس از تنظیم صورتها از هر طبقه دوازده نفر بقیه قرعه برای عضویت هیئت منصفه انتخاب میشود و فرماندار مراتب را کتباً بکلیه نودوشش نفری که برای عضویت هیئت منصفه انتخاب شده اند ابلاغ مینماید که رد یا قبولی خود را در ظرف سه روز اعلام دارند . عدم اعلام رد در حکم قبولی است اگر يك باچند نفر از قبول این سمت خودداری کنند هیئت مزبور کسری هر طبقه را بقیه قرعه از میان بقیه افراد همان طبقه بطریق فوق تکمیل مینماید سپس فرماندار آنان را بوسیله رئیس دادگاه استان بدادگاه جنائی محل معرفی میکند رئیس دادگاه استان تا بیهوده ای همان سال صورت اعضاء هیئت منصفه را باید در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار اعلان نماید .

برای سایر مراکز استانها هیئت منصفه ۴۸ نفر مقرر میشود که بهمان ترتیب مذکور در فوق (با این تفاوت که از هر يك از طبقات هشتگانه دویزده نفر در هر فرست منظور میشود) انتخاب و معرفی خواهند گشت .

ب - در مورد هر محله که مطبوعاتی دادگاه جنائی در جلسه هائی خود با حضور دادستان استان پنج نفر از اعضاء هیئت منصفه را بدست عضو اصلی و پنج نفر را بدست عضو علی لایب لایب بقیه قرعه انتخاب مینماید کلیه اعضاء هیئت منصفه اعم از اصلی و علی البدل که در جلسه دادرسی تاختم آن در تمام جلسات حضور داشته باشند و چنانچه يك باچند نفر از اعضاء اصلی غایب و یا ناخوانا از شرکت

منوع باشند و عده اعضاء علی البدل که حضور یافته اند زائد بر عده غائبین و یا مدویرین باشد بیزان احتیاج از اعضاء علی البدل بقید قرعه بجای کسری اعضاء اصلی انتخاب خواهد شد و در هر حال با حضور پنج نفر از اعضاء اصلی یا علی البدل دادگاه قابل تشکیل است.

ماده ۳۹ - دادگاه جنائی که با حضور هیئت منصفه تشکیل میشود مطابق مقررات آئین دادرسی کیفری رسیدگی نموده پس از اعلام ختم دادرسی بلافاصله اعضاء هیئت منصفه بشور پرداخته نسبت به سوال دادگاه جنائی بانکه آیا متهم گناهکار است یا بی گناه و در صورت تقصیر مستحق تخفیف میباشد یا خیر با رأی مخفی جواب میدهند و در صورتیکه متهم را بی گناه تشخیص دادند دادگاه فوراً باستناد رای هیئت منصفه بانشاء حکم مبادرت میورزد و چنانچه هیئت منصفه متهم را گناهکار تشخیص داد اگر هیئت منصفه نازل به تخفیف بودند دادگاه حکم محکومیت را با رعایت تخفیف انشاء میکند و چنانچه معتقد به تخفیف نبودند دادگاه بدون در نظر گرفتن تخفیف عمل را با مواد قانونی تطبیق نموده و بصورت حکم مبادرت و بستم اعلام میدارد حکم دادگاه که طبق رأی هیئت منصفه صادر شده خواهد بر محکومیت و خواه بر برائت قابل رسیدگی فرجامی است.

چنانچه روزنامه یا مجله قبل از معاکمه توقیف شده باشد بعضی صدور حکم برائت متهم روزنامه یا مجله از توقیف خارج خواهد شد.

تبصره - شور هیئت منصفه محرمانه و در اطلاق جداگانه انجام میشود و انتشار آن ممنوع است و نتیجه آن کتباً بر رئیس دادگاه تسلیم میشود که در جلسه علنی اعلام کند.

ماده ۴۰ - موارد رد اعضاء هیئت منصفه و شرایط آن همانست که قانوناً در مورد رد قضات پیش بینی شده است.

ماده ۴۱ - هرگاه جلسه رسیدگی خواه در ابتداء یا اثناء دادرسی بواسطه عدم حضور يك یا چند نفر از اعضاء هیئت منصفه تشکیل نشود رئیس دادگاه جنائی در جلسه علنی از بین قضات حاضر شعب دادگاه استان در تهران و از بین کلیه قضات حاضر در مرکز استان در خارج از تهران هیئت منصفه را بحکم قرعه تعیین یا تکمیل نموده با شرکت آنان بوضع رسیدگی خواهد کرد قضاتی که بعنوان هیئت منصفه بحکم قرعه انتخاب میشوند صرفاً جنبه عضویت هیئت منصفه را دارند و در صورت عدم حضور با عدم شرکت در رأی متخلف محسوب شده و تحت تعقیب انتظامی قرار خواهند گرفت.

ماده ۴۲ - هر یک از اعضاء دیگر هیئت منصفه که بحکم قرعه معین شده اند چنانچه بدون عذر موجه در جلسات معاکمه حاضر نشوند و با ازشرکت در رأی خود درای کنند بحکم دادگاهی که موضوع در آن مطرح است برای مرتبه اول محکوم به پرداخت از هزار تا ده هزار ریال خواهند شد و در صورت تکرار علاوه بر پرداخت غرامت از بعضی بانام حقوق مذکوره ذیل از ششماه تا ۲ دو سال بششخص همان دادگاه محروم خواهد شد:

الف - حق استخدام در ادارات دولتی و شهرداریها و بنگاهها و شرکتها و اینکه لاهل نصف سرمایه آنرا متعلق بدولت باشد.

ب - حق انتشار روزنامه و مجله و انتخاب شدن در انجمن شهر و شرکت در انجمنهای نظارت انتخابات مجالسین

ماده ۴۳ - هیچ روزنامه و یا مجله ای را قبل از صدور حکم دادگاه نمیتوان توقیف یا تعطیل کرد مگر در موارد اتهامات زیر:

- ۱ - آنجا که مضر با اساس دین اسلام باشد.
- ۲ - آنجا که هنگام احترام از مقام سلطنت شده باشد.

- ۳ - آنجا که نقشه طرح حرکت تشون یادگیر از اسرار نظامی مکشوف شده باشد.
- ۴ - آنجا که دعوت ببعیان در مقابل قوای رسمی ملکنی و موجب هیجان کلی و اختلال امنیت عمومی شده باشد.
- ۵ - آنجا که انتشار مقالات مضر بوقت عمومی یا اشاعه صور قبیحه بر ضد عصمت و هفت عمومی باشد.

در موارد فوق دادستان شهرستان رأساً یا بنا بر تقاضای فرماندار محل دستور توقیف روزنامه یا مجله یا کتاب و ضبط اوراق انتشار یافته را خواهد داد و در ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده امر را بدادگاه جنایی خواهد فرستاد دادگاه جنایی در جلسه فوق‌العاده نظر خود را نسبت برد یا قبول تقاضای دادستان اعلام خواهد کرد در صورتیکه دادگاه با توقیف روزنامه یا مجله موافقت نماید باز پرس و دادستان مکلفند در ظرف یکم هفته نظر نهایی خود را نسبت باصل موضوع اعلام دارند و دادگاه باید با تهیه مقدمات قانونی خارج از نوبت نسبت باصل موضوع رسیدگی نماید.

تبصره - روزنامه‌هاییکه بر طبق این ماده توقیف میشوند نمیتوانند باسامی دیگر و یا همان سبک و اسلوب منتشر شوند در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله‌ای که بجای روزنامه توقیف شده انتشار یافته است نیز بترتیب فوق توقیف میشود و کسانی که روزنامه یا مجله خود را بجای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند بحدس تأدیبی از یکماه تا سه ماه و جریمه نقدی از پانصد تا پنجم هزار ریال محکوم میشوند و اجازه نامه آن نیز باطل میگردد.

ماده ۴۴ - در صورتیکه دادگاه با توقیف روزنامه موافقت نکند بلافاصله از روزنامه رفع توقیف خواهد شد.

ماده ۴۵ در جرائم مطبوعاتی دادگاه خارج از نوبت رسیدگی مینماید و مهلتی که برای قرائت پرونده بوکیل مدافع و خود متهم داده میشود بیش از سه روز نخواهد بود و این مدت بتقاضای متهم یکدفعه و برای سه روز قابل تمدید میباشد و از تاریخ انقضای مهلت تا تشکیل جلسه مقدماتی نیز نباید بیش از سه روز فاصله باشد و فاصله جلسه مقدماتی تا دادرسی حداکثر نباید بیش از ده روز باشد و سپس در این محاکمات زائد بر ۱۲ ساعت نخواهد بود. شاکی خصوصی و متهم هر کدام بیش از یک وکیل مدافع نمیتوانند تعیین نمایند.

ماده ۴۶ - قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲۶ و کلیه قوانین و مقرراتی که با این مواد منافی دارند لغو میشود.

ماده ۴۷ - وزارتخانه های کشور و دادگستری و فرهنگ مأمور اجرای این لایحه قانونی هستند.

بر طبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مردادماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی مطبوعات مشتمل بر پنج فصل و (۴۷) ماده و (۱۰) تبصره تصویب میشود: بتاريخ یازدهم آذرماه ۱۳۳۱ نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۵۴ - لایحه قانونی مالیات بر اراضی

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۱۶ آذر ۳۱

ماده ۱ - وزارت دارائی مکلف است در شهرهای زیرسالیانه مالیاتی بنام مالیات بر اراضی

معادل ۳ درصد ارزش اراضی مذکور در ماده (۲) طبق ارزیابی که هر ۳ سال یکبار بعمل خواهد آمد دریافت دارد.

تهران، قزوین، رشت، لاهیجان، بندرپه‌لوی، آمل، بابل، ساری، گرگان، بهشهر، شاهی، بابلر، شهبواز، شاهرود، مشهد، تربت حیدریه، زنجان، تبریز، رضایه، مراغه، کرمانشاه، همدان، قم، اصفهان، شیراز، خرمشهر، آبادان، اهواز، یزد، کرمان، بروجرد، ملایر.

تبصره - در شهرهایی که بعداً اجرای این لایحه قانونی لازم شده شود بتصویب هیئت دولت انجام خواهد شد.

ماده ۲ - اراضی مشمول این مالیات عبارتست از:

الف - اراضی اعم از محصور و غیر محصور مشجر یا غیر مشجر واقع در داخل شهرها.
ب - اراضی واقع در دور هریک از شهرهای مذکور در ماده یک که حدود آن هر سال یکبار بایشنهاد وزارت کشور و تصویب دولت تعیین میشود.

ج - آن قسمت از زمین هر کارخانه و مؤسسه بهره برداری که مطابق اصول مقرر در آیین نامه اجرائی این لایحه قانونی زاید بر احتیاج بهره برداری تشخیص داده میشود.

ماده ۳ - مالیات موضوع این لایحه بر اراضی زیر تعلق نمیگیرد:

الف - اراضی کمتر از سیصد متر در شهرها و هزار متر در خارج شهرها مشروط بر آنکه صاحب آن زمین دیگری نداشته باشد.

ب - اراضی متعلق بدوات و مؤسسات دولتی و شهرداریها و مؤسسات خیریه و عام المنفعه و بهداشتی و فرهنگی و بیابانستانها و همچنین مؤسسات ورزشی که بشت رسیدگی و اداری تأسیسات لازم باشد و موقوفات عام المنفعه تشخیص وزارت فرهنگ.

ج - اراضی متعلق بنمایندگان سیاسی خارجی بشرط معامله متقابل.

د - اراضی مزروعی واقع در دور شهرها مشروط بر آنکه لااقل شش سال سابقه زراعت داشته باشد.

ماده ۴ - مؤدیان مالیات موضوع این لایحه عبارتند از:

الف - اشخاصی که سند مالکیت رسمی بنام آنها صادر شده است یا بعنوان مالکیت زمین ثبت نشده‌ای را در تصرف دارند.

ب - متصرفین زمینهای متنازع فیه.

ج - مالکین زمینهای مشاع علی قدر سهم.

د - متوایان موقوفات غیر عام المنفعه.

ه - مدیرعامل یا مسئول هر مؤسسه‌ای که دارای شخصیت حقوقی است و زمین مشمول مالیات متعلق بآن مؤسسه میباشد.

و - اشخاصیکه ولایت سفار و یا مالکین مجبور را برعهده دارند.

ماده ۵ - مؤدیان مشمول این لایحه قانونی مکلفند اظهارنامه مفصومی را که بدین منظور تهیه میشود از اداره دارایی دریافت و تا آخر خرداد هر سال باتوجه بکلیه مندرجات آن تکمیل و مالیات متعلقه را به میزان ۳ درصد ارزشی که برای اراضی خود تعیین مینمایند با اداره دارایی تسلیم و قبض رسید دریافت دارند.

تبصره ۱ - در سال اول استثنائاً تاریخ تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات اول اسفند ۱۳۳۱ است.

تبصره ۲- برای هر قطعه زمین باید اظهارنامه جداگانه تسلیم شود .

تبصره ۳- عمل به مقررات این ماده جز از لحاظ تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات مقرر در این لایحه قانونی برای منظور دیگری قابل استفاده نخواهد بود .

ماده ۶- اداره دارایی مکلف است در ظرف ۲ ماه بعد از تاریخ تسلیم اظهارنامه به فاد آن رسیدگی نموده و در صورتیکه تشخیص بدهد ارزش معینه در اظهارنامه مؤدیان نسبت به ارزش وقت زمین بیش از بیست درصد کمتر است باید برای دریافت تفاوت بودی مراجعه نماید و اگر مؤدی در ظرف ده روز از تاریخ مطالبه پرداخت تفاوت اقدام نکند اداره دارایی موظف است زمین با قسمتی از آن را که تکفوی مالیات را بنماید با انجام تشریفات مرایده و بر تریبی که در آیین نامه اجراء این لایحه مقرر است بفروش رسانیده و از وجه حاصل از فروش مابه التفاوت را برداشت و مابقی را بودی پرداخت نماید . چنانچه زمینی که میزان مالیات آن مورد اختلاف است قبل از اجراء مقررات این ماده بديکری انتقال یافته باشد اداره دارایی مکلف است تفاوت تا تاریخ انتقال را از محل سایر دارایی مالک وقت استیفاء نماید .

راجع به مالیات- موضوع بندهای (د - ه - و) ماده چهار امضاءکننده اظهارنامه شخصاً مسئول پرداخت تفاوت بوده و اداره دارایی مکلف است تفاوت را از دارایی خود او وصول نماید . تبصره - در صورتیکه اداره دارایی در ظرف مدت ۲ ماه رسیدگی قطعی اظهارنامه را انجام ندهد مالیات پرداختی مؤدی قطعی خواهد بود .

ماده ۷- ادارات ثبت در موقع صدور پاسخ استعمال نسبت با راضی در جریان ثبت و همچنین دفاتر اسناد رسمی نسبت به معاملات املاک ثبت شده باید پس از ملاحظه قبض تادیه مالیات پاسخ استعمال را صادر و پاسند و مامله را تنظیم نموده و شماره و تاریخ آرادر پاسخ استعمال و یا ذیل سند معامله قید نمایند .

ماده ۸- عدم تسلیم اظهارنامه تا موعده مقرر در ماده ۵ و یا تسلیم اظهارنامه بدون پرداخت مالیات مشمول جریمه مبادل ۱۰ درصد مالیات خواهد بود و در صورت تاخیر بیش از یکماه يك درصد مالیات نیز برای هر ماه تاخیر دریافت خواهد شد .

ماده ۹- اشخاص زیر بحسب تادیهی از سه ماه تا یکسال محکوم خواهند شد :

۱) مأموردارایی که در موعده مقرر در تبصره ماده ۶ این لایحه قانونی بفاد اظهارنامه های واصل رسیدگی نمایند .

۲) مأموردارایی و یا ارزیا بانی که رسیدگی و تشخیص با رز با بی آنها برخلاف واقع باشد و منجر بزبان دولت با مؤدی مالیاتی بشود .

۳) مسئول یا مسئولین ادادات ثبت و پاسردقتر اسناد رسمی که از اجراء مقاد ماده هفت این لایحه قانونی تغلف ورزند .

ماده ۱۰- مسئولین شهرداری هر محل مکلفند اطلاعات و اسنادیکه برای اجرای این لایحه قانونی مورد احتیاج ادارات وصول است در اسرع وقت در اختیار آنها بگذارند .

ماده ۱۱- آیین نامه اجراء این لایحه قانونی با پیشنهاد وزارت دارایی بتصوب دولت خواهد رسید .

ماده ۱۲- وزارت دارایی- دادگستری و کشور مأمور اجرای این لایحه قانونی میباشد . برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مردادماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی مالیات بر اراضی مشتمل بر دوازده ماده (۵) تبصره تصویب میشود .
تاریخ دوازدهم آذرماه ۱۳۳۱

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق